

تاریخ کشور اسرائیل : اسرائیل، اورشلیم : طرح سازمان ملل برای تقسیم فلسطین

تهیه و تدوین : داکتر نصرالدین شاه پیکار

ترانتو- کانادا، ۲۰ اکتوبر ۲۰۲۳



فهرست مطالب :

- تاریخ کشور اسرائیل
- نشان درگاه اسرائیل
- تاریخچه مهاجرت
- عصر برونز و آهن
- دوران باستان کلاسیک
- دوره اواخر باستان و قرون وسطی
- دوران مدرن و ظهور صهیونیسم
- اولین کنگره صهیونیسم
- قیمومیت بریتانیا
- نقشه سازمان ملل برای تقسیم
- تاریخ شکل گیری اسرائیل
- جغرافیای فلسطین
- روز قدس
- کشور اسرائیل تأسیس شد
- منشور استقلال اسرائیل
- خواست عدالت خواهانه فلسطین
- نگاهی به آخرین تحولات جنگ
- دیپلماسی ایران در محور مقاومت
- مواضع مشترک چین و روسیه
- حمایت تمام قد اروپا از اسرائیل
- تاریخچه درگیری اسرائیل و فلسطین
- بعد سیاسی نشست قاهره
- تاریخ فلسطین تا سده ۱۹
- تاریخ فلسطین در کل

« هر ملت تاریخ دارد و تاریخ واقعی به ملل ستمدیده وابسته و منوط است. ملت های ظالم، جفا پیشه و مستبد دارای تاریخ نبودند و نیستند. تاریخ هر ملت و مردم دارای : گذشته ، حال و آینده است. هر مردمی که از تاریخ گذشته خود درست درست نگرفت و برای زمان حال به تفکر و اندیشه تاریخی نه نشست و برای آینده و آینده تاریخی اش ، برنامه نداشت، نه حالی خواهد داشت و نه آینده ، به ویژه ملتی که فرهنگش را از نزدش ربوده باشند.» (بر گرفته از کتاب سرداران)

کشور اسرائیل رسماً در سال ۱۹۴۸ میلادی تأسیس شد. اگرچه تاریخ اسرائیل را باید مشتمل بر دو بخش تاریخ یهودیان در سرزمین باستانی اسرائیل و تاریخ کشور مدرن اسرائیل دانست. این کشور تقریباً در مکان پادشاهی باستانی یهودی واقع شده است با این تفاوت که آن سرزمین باستانی شامل کرانه باختری رود اردن نیز بوده است. این محل زادگاه زبان عبری بوده است که در اسرائیل امروزه بدان صحبت می‌شود. همچنین اماکن مقدسی برای ادیان یهودیت، مسیحیت، اسلام و بهائیت در این سرزمین قرار دارد. علیرغم دست به دست شدن سرزمین اسرائیل بین امپراتوری‌های مختلف در طول قرون، بیشتر جمعیت این سرزمین تا قرن سوم میلادی یهودی باقی ماندند. این ناحیه پس از قرن سوم به شدت مسیحی‌نشین و پس از غلبه مسلمانان در قرن هفتم بیشتر مسلمان‌نشین بوده است و از اواسط قرن بیستم مجدداً یهودی‌نشین شده است. حد فاصل سال‌های ۱۰۹۶ تا ۱۲۹۱ میلادی این ناحیه کانون درگیری‌های مسلمانان و مسیحیان در جنگ‌های صلیبی بود و پس از آن تا سال ۱۹۱۷ و قیمومیت انگلستان بر آن سرزمین بخشی از امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد.

نشان درگاه اسرائیل: در اواخر قرن ۱۹ میلادی، اوج گرفتن یهودستیزی در اروپا موجب ایجاد جنبش صهیونیسم شد. در پی تصرف سرزمین سوریه توسط انگلستان در جنگ جهانی اول و قیمومیت انگلستان بر آن سرزمین و اعلامیه بالفور، موج مهاجرت یهودیان به این سرزمین موسوم به علیا شکل گرفت و باعث ایجاد تنش‌هایی بین اعراب و یهودیان گشت. در پی اعلام استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و گسترده‌تر شدن موج مهاجرت یهودیان به این سرزمین این تنش‌ها به نزاع بزرگ اعراب و اسرائیل منجر شد. در حال حاضر در حدود ۴۲ درصد از یهودیان جهان در اسرائیل امروزی زندگی می‌کنند و این کشور بزرگ‌ترین مرکز تجمع پیروان یهودیت است. از دهه ۱۹۷۰ میلادی ایالات متحده تبدیل به متحد اصلی اسرائیل شده است. در سال ۱۹۷۹ پیمان صلح کمپ دیوید بین اسرائیل و مصر امضا شد. در سال ۱۹۹۳ این کشور با سازمان آزادی‌بخش فلسطین پیمان اسلورو به امضا رسانید و در سال ۱۹۹۴ بین اسرائیل و اردن پیمان صلحی به امضا رسید. علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که برای صلح بین اسرائیل و فلسطینیان به انجام رسیده است، درگیری بین این دو تأثیر زیادی در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اسرائیل و فلسطینیان گذارده است.

تاریخچه مهاجرت اولیه انسان‌ها به خارج از آفریقا به شام ماقبل تاریخ، جایی که اسرائیل در آن واقع شده است، بر اساس آثاری که در عبیدیه در دره ریفت اردن یافت گردیده، به حداقل ۱/۵ میلیون سال قبل بازمی‌گردد، در حالی که فسیل‌های یافت شده از انسان‌های سخول و قفذه در اسرائیل، قدمتی بیش از ۱۲۰۰۰۰ سال را دارا می‌باشند. فرهنگ ناتوفی در هزاره ۱۰ قبل از میلاد در جنوب شام پدیدار شد، پس از آن فرهنگ غسولینی در حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح هویدا گشت.

عصر برنز و آهن: دیوار کنعانی اورشلیم در شهر داوود: دیوار کنعانی اورشلیم در شهر داوود: تاریخ کنعانیان از نظر باستان‌شناسی به عصر برنز میانه (۲۱۰۰-۱۵۵۰ قبل از میلاد) بازمی‌گردد. در اواخر عصر برنز (۱۵۵۰-۱۲۰۰ قبل از میلاد)، بخش‌های بزرگی از کنعان، دولت‌های تابعه را تشکیل دادند که به پادشاهی جدید مصر خراج می‌دادند. در نتیجه فروپاشی تمدن در اواخر عصر برنز، کنعان به منجلاب هرج و مرج فرورفت و مصر کنترل خود را بر منطقه به‌طور کامل از دست داد. شواهدی وجود دارد که مراکز شهری مانند حزور، بیت شیان، مگیدو، اکرون، اشدود و اشکلون آسیب دیده یا به کلی ویران شده‌اند. قومی به نام بنی‌اسرائیل برای اولین بار در استیل مرنپتا که یک کتیبه مصری باستان مربوط به حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد است، ظاهر می‌شود. تصور می‌شود که اجداد بنی اسرائیل شامل مردم باستانی سامی زبان بومی این منطقه بوده‌اند. ۷۸-۷۹ بر اساس گزارش باستان‌شناسان مدرن، بنی اسرائیل و فرهنگ آن‌ها از طریق توسعه دین تک‌پرستی - و بعداً توحیدی - با محوریت یهوه، از قوم کنعانی و فرهنگ‌های آنها منشعب شده است. آنها به شکلی باستانی از زبان عبری صحبت می‌کردند که به عبری کتاب مقدس معروف است. در همان زمان، فلسطینیان در دشت ساحلی جنوبی مستقر شدند. باستان‌شناسی مدرن تا حد زیادی تاریخ‌نگاری روایت تورات در مورد پدرسالاران، خروج و داستان‌های فتح شرح داده شده در کتاب یوشع را کنار گذاشته است و این روایات را به عنوان افسانه ملی بنی اسرائیل می‌داند. با این حال، به نظر می‌رسد برخی از عناصر این روایات افسانه‌های ریشه‌های تاریخی نیز داشته باشند. تردیدهایی در مورد نخستین پادشاهی اسرائیل و یهودای باستان و گستره قلمرو آنها و قدرتشان وجود دارد. در حالی که مشخص نیست که آیا هرگز پادشاهی متحد اسرائیل وجود داشته است یا خیر اما با این حال مورخان و باستان‌شناسان توافق دارند که پادشاهی شمالی اسرائیل تا ۹۰۰ قبل از میلاد وجود داشته است تا اینکه پادشاهی یهودا در ۸۵۰ ق.م. به قدرت رسیده. پادشاهی اسرائیل از بین دو پادشاهی دیگر مرفه تر بود و به زودی به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شد. در طی آن دوران سلسله عمریان، سامره، جلیل، دره اردن، شارون و بخش‌های وسیعی از ماوراء اردن

را تحت کنترل داشت. ساماریا، پایتخت و خانه یکی از بزرگترین سازه‌های عصر آهن در شام بود. پادشاهی اسرائیل در حدود سال ۷۲۰ قبل از میلاد، زمانی که توسط امپراتوری نو-آشوری تح شد، ویران گردید. پادشاهی یهودا، به پایتختی اورشلیم، بعداً به دولت متکی امپراتوری آشوری نو و سپس امپراتوری نو بابل تبدیل شد. تخمین زده می‌شود که جمعیت منطقه در عصر آهن دوم حدود ۴۰۰'۰۰۰ نفر بوده‌است. در سال ۵۸۷/۶ قبل از میلاد، به دنبال شورش یهودا، نبوکدنصر دوم، اورشلیم و معبد سلیمان را محاصره و ویران کرد، پادشاهی‌شان را منحل و بسیاری از نخبگان یهودی را به بابل تبعید کرد و بدین ترتیب اسارت یهودیان آغاز شد. این شکست در تواریخ بابل نیز ثبت شده‌است. پس از تصرف بابل در سال ۵۳۹ قبل از میلاد، کوروش کبیر، بنیانگذار امپراتوری هخامنشی ایران، اعلامیه‌ای را ارائه داد که مفاد آن به جمعیت تبعیدیان یهودی اجازه بازگشت به یهودا را می‌داد، به جمعیت یهودی که بازگشته بودند اجازه داده شد تا معبد را خودگردان و بازسازی کنند.

دوران باستان کلاسیک : ساخت معبد دوم حدود ۵۲۰ پیش از میلاد تمام گشت. پارس‌ها بر این منطقه به عنوان استانی یهودی حکومت می‌کردند، که در قرون پنجم تا چهارم پیش از میلاد حدود ۳۰۰۰۰ نفر جمعیت را در خود جای داده بود. در سال ۳۳۲ قبل از میلاد، اسکندر مقدونی این منطقه را به عنوان بخشی از لشکرکشی خود علیه امپراتوری ایران فتح کرد. پس از مرگ او، این منطقه تحت کنترل امپراتوری‌های بطلمیوسی و سلوکی به عنوان بخشی از کوئل-سوریه شناخته شد. در طول قرون بعدی، یونانی شدن منطقه منجر به تنش‌های فرهنگی گردید که در زمان سلطنت آنتیوخوس چهارم به اوج رسید و شورش مکابیان در سال ۱۶۷ قبل از میلاد را سبب شد. ناآرامی‌های داخلی حکومت سلوکیان را تضعیف کرد و در اواخر قرن دوم، پادشاهی نیمه خودمختار هامونی یهودیه به وجود آمد که در نهایت به استقلال کامل دست یافت و به مناطق همسایه گسترش یافت.

جمهوری رم در ۶۳ پیش از میلاد به منطقه حمله کرد، نخست کنترل سوریه را دست گرفت، سپس دخالت در جنگ داخلی حشمونیان را آغاز کرد. نزاع میان حامیان رومی و حامیان پارتی در یهودیه منجر به انتصاب هیرودیس کبیر به عنوان یک دودمان خراجگزار به روم شد. در سال ۶ پس از میلاد، این منطقه به‌طور کامل به عنوان استان رومی یهودیه ضمیمه گردید، دوره‌ای که منادی تنش با حکومت روم بود و به یک سری جنگ‌های یهودی-رومی کشیده گردید که ویرانی‌های گسترده‌ای را به ارمغان آورد. دومین قیام معروف به شورش بارکوخبا در سالهای ۱۳۲-۱۳۶ بعد از میلاد روی داد. موفقیت‌های اولیه در میدان نبرد به یهودیان اجازه داد تا یک کشور مستقل در یهودیه تشکیل دهند، اما رومی‌ها نیروهای زیادی را جمع‌آوری کرده، به طرز وحشیانه‌ای شورش را سرکوب و حومه یهودیه را ویران و خالی از سکنه کردند. اورشلیم به عنوان یک مستعمره رومی با نام ایلیا کاپیتولینا بازسازی گردید و استان یهودا به سوریه فلسطین تغییر نام داد. یهودیان از مناطق حوالی اورشلیم اخراج شدند، و به اجتماعات دیاسپورا پیوستند. با وجود این، یهودیان پیوسته اندک حضوری را در منطقه حفظ کردند چنان‌که جلیل مرکز مذهبی آن شد. جوامع یهودی در تپه‌های الخلیل جنوبی و در دشت ساحلی به سکونت خود ادامه دادند.

دوره اواخر باستان و قرون وسطی : با انتقال حکومت روم به امپراتوری بیزانس تحت فرمان امپراتور کنستانتین، مسیحیت اولیه جایگزین پیگنیسم رومی گردید. با تغییر دین کنستانتین در قرن چهارم، وضعیت برای اکثریت یهودیان در فلسطین سخت‌تر شد. مجموعه‌ای از قوانین به تصویب رسید که علیه یهودیان و یهودیت تبعیض قائل می‌شد چنان‌که یهودی‌ها هم از سوی کلیسا و هم از سوی مقامات مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. بسیاری از یهودیان به جوامع در حال شکوفایی دیاسپورا مهاجرت کرده بودند، در همین حال به صورت محلی هم مهاجرت مسیحی و هم تغییر مذهب نیز رواج پیدا کرده بود. در اواسط قرن پنجم، مسیحیان به اکثریت غالب در منطقه بدل گشتند. در اواخر قرن پنجم، شورش‌های سامری‌ها شروع شد که تا اواخر قرن ششم ادامه یافت و منجر به کاهش بالا در جمعیت سامری شد. پس از فتح اورشلیم توسط ساسانیان و شورش کوتاه مدت یهودیان علیه هرکلیوس در سال ۶۱۴ پس از میلاد، امپراتوری بیزانس کنترل منطقه را در سال ۶۲۸ تثبیت کرد. در سالهای ۶۳۴-۶۴۱ میلادی، خلافت راشدین شام را فتح کرد. شش قرن بعد، کنترل منطقه بین خلفای اموی، عباسی، فاطمی و متعاقباً سلجوقیان و ایوبیان تقسیم شد. جمعیت این منطقه طی چندین قرن آتی به شدت کاهش یافت و از حدود ۱ میلیون نفر در دوره روم و بیزانس به حدود ۳۰۰'۰۰۰ نفر در اوایل دوره عثمانی رسید. در کنار این کاهش جمعیت، مهاجرت غیر مسلمانان، مهاجرت مسلمانان و گرایش‌های محلی به اسلام، روندی پیوسته از عربی سازی و اسلامی شدن را در پی داشت. پایان قرن یازدهم، جنگ‌های صلیبی را به همراه داشت، تاخت‌وتاز صلیبیون مسیحی که توسط پاپ حمایت می‌شد، با هدف فتح و خارج کردن کنترل اورشلیم و سرزمین مقدس از دست مسلمانان و ایجاد کشورهای صلیبی آغاز شد. ایوبیان صلیبی‌ها را قبل از اینکه حکومت مسلمانان به‌طور کامل توسط سلاطین مملوک مصر در سال ۱۲۹۱ احیا شود، عقب راندند

دوران مدرن و ظهور صهیونیسم: در سال ۱۵۱۶، این منطقه توسط امپراتوری عثمانی فتح شد و تا چهار قرن بعد به عنوان بخشی از سوریه عثمانی اداره گردید. در سال ۱۶۶۰، شورش دروزها منجر به نابودی صفا و طبریه شد. در اواخر قرن هجدهم، [ظاهر العمر محلی عرب، یک امارت مستقل عملاً در جلیل ایجاد کرد. تلاش‌های عثمانی‌ها برای تسلیم کردن ناکام ماند، اما پس از مرگ ظاهر، عثمانی‌ها کنترل منطقه را دوباره به دست گرفتند. در سال ۱۷۹۹ جازار پاشا با موفقیت حمله به عکا توسط نیروهای ناپلئون را دفع کرد و فرانسوی‌ها را وادار کرد که کارزار سوریه را رها کنند. در سال ۱۸۳۴، شورش دهقانان عرب فلسطینی علیه سیاست‌های اجباری و مالیاتی مصر در زمان محمد علی پاشا آغاز شد. اگرچه این شورش سرکوب گردید، اما ارتش محمدعلی عقب‌نشینی کرد و حکومت عثمانی با حمایت بریتانیا در سال ۱۸۴۰ احیا شد. اندکی پس از آن، اصلاحات تنظیمات در سراسر امپراتوری عثمانی آغاز گردید. از زمان آغاز دیاسپورای یهودی، بسیاری از یهودیان آرزوی بازگشت به «صهیون» و «سرزمین اسرائیل» را داشته‌اند، اگرچه میزان تلاشی که باید برای چنین هدفی صرف شود، محل مناقشه است. در طول قرن شانزدهم، جوامع یهودی در چهار شهر مقدس - اورشلیم، طبریه، الخلیل و سافد - پا گرفتند و در سال ۱۶۹۷، خاخام یهودا هاجاسید گروهی متشکل از ۱۵۰۰ یهودی را به اورشلیم هدایت کرد. در نیمه دوم قرن هجدهم، مخالفان حسیدیسم در اروپای شرقی، معروف به پروشیم، در فلسطین ساکن شدند.

اولین کنگره صهیونیستی (۱۸۹۷) در بازل، سوئیس: اولین موج مهاجرت یهودیان مدرن به فلسطین تحت فرمانروایی عثمانی، معروف به آلیه نخستین، در سال ۱۸۸۱ آغاز شد، زیرا یهودیان از قتل‌عام در اروپای شرقی فراری بودند. اگرچه جنبش صهیونیسم قبلاً در عمل وجود داشته‌است، اما همواره تئودور هرتزل، روزنامه‌نگار اتریشی-مجارستانی به عنوان بنیان‌گذار صهیونیسم سیاسی شناخته می‌شود، جنبشی که به دنبال ایجاد یک کشور یهودی در سرزمین اسرائیل بود، بنابراین راه‌حلی را برای به اصطلاح مسئله یهود ارائه کرد. در سال ۱۸۹۶، هرتزل اثر خود به نام Der Judenstaat (دولت یهود) را منتشر کرد و دیدگاه خود را از یک دولت یهودی در آینده ارائه کرد. سال بعد او ریاست اولین کنگره صهیونیستی در بازل سوئیس را بر عهده گرفت. آلیه دوم (۱۹۰۴-۱۹۱۴) پس از قتل‌عام کیشینف آغاز شد. حدود ۴۰۰۰۰ یهودی در فلسطین سیهودیان اکن شدند، اگرچه تقریباً نیمی از آنها در نهایت آنجا را ترک کردند. هر دو موج اول و دوم مهاجران عمدتاً یهودیان ارتدوکس بودند، اگرچه آلیه دوم شامل گروه‌های سوسیالیستی بود که جنبش کبیوتص را تأسیس کردند. اگرچه مهاجران آلیه دوم عمدتاً به دنبال ایجاد سکونتگاه‌های زراعی جمعی بودند، اما در این دوره، تل آویو به عنوان اولین شهر یهودی برنامه‌ریزی شده در سال ۱۹۰۹ تأسیس گردید. در این دوره همچنین شبه نظامیان مسلح یهودی ظهور کردند که اولین آنها بار-گیورا نام داشت و که در سال ۱۹۰۷ تأسیس شد. دو سال بعد، سازمان بزرگتر هاشومر به عنوان جایگزین آن تأسیس گردید.

قیمومیت بریتانیا: در سال ۱۹۱۷، در خلال جنگ جهانی اول، آرتور بالفور، وزیر امور خارجه بریتانیا، بیانیه بالفور را برای لرد روچیلد، رهبر جامعه یهودیان بریتانیا ارسال کرد که در آن اعلام شده بود که بریتانیا قصد دارد یک "خانه ملی" یهودی را در فلسطین برپا کند. در سال ۱۹۱۸، لژیون یهودی، گروهی عمدتاً از داوطلبان صهیونیست، در فتح فلسطین توسط بریتانیا به بریتانیایی‌ها یاری رساندند. در سال ۱۹۲۰، پس از اینکه متفقین شام را در طول جنگ جهانی اول فتح کردند، این قلمرو بین بریتانیا و فرانسه تحت سیستم دستوری تقسیم گردید و منطقه تحت اداره بریتانیا که شامل اسرائیل امروزی بود، فلسطین اجباری نام گرفت. مخالفت اعراب با حکومت بریتانیا و مهاجرت یهودیان منجر به شورش‌های فلسطینی در سال ۱۹۲۰ و تشکیل یک شبه نظامی یهودی به نام هاگانا (به معنای دفاع در زبان عبری) به عنوان زاییده هاشومر شد که بعدها شبه نظامیان ایرگون و لچی از آن منشعب شدند. در سال ۱۹۲۲، جامعه ملل قیمومت فلسطین را تحت شرایطی که شامل اعلامیه بالفور با وعده آن به یهودیان و با مقررات مشابه در مورد فلسطینیان عرب بود به بریتانیا اعطا کرد. جمعیت این منطقه در این زمان عمدتاً عرب و مسلمان بودند، یهودیان حدود 11% و مسیحیان عرب حدود ۹/۵% از جمعیت را تشکیل می‌دادند. آلیه سوم (۲۳-۱۹۱۹) و آلیه چهارم (۲۹-۱۹۲۴) ۱۰۰۰۰۰ یهودی دیگر را به فلسطین آورد. ظهور نازیسم و آزار و اذیت فزاینده یهودیان در اروپای دهه ۱۹۳۰ منجر به ظهور آلیه پنجم با هجوم یک چهارم میلیون یهودی شد. این یکی از دلایل اصلی شورش اعراب در سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۹ بود که در واکنش به ادامه مهاجرت یهودیان و خرید زمین آغاز گردید. صدها یهودی و پرسنل امنیتی بریتانیا کشته شدند، در حالی که مقامات قیمومیت بریتانیا در کنار شبه نظامیان صهیونیست هاگانا و ایرگون ۵۰۳۲ عرب را کشتند و ۱۴۷۶۰ نفر را زخمی کردند، که منجر به کشته شدن بیش از ده درصد از جمعیت مرد بزرگسال عرب‌های فلسطین شد و تعدادی مجروح، زندانی یا تبعیدی بر جای گذاشت. انگلیسی‌ها با کتاب سفید ۱۹۳۹ محدودیت‌هایی را برای مهاجرت یهودیان به فلسطین وضع کردند، در حالی که کشورهای سرتاسر جهان پناهندگان یهودی را

که از هولوکاست فرار می‌کردند طرد می‌کردند، یک جنبش مخفی موسوم به الیه بت برای آوردن یهودیان به فلسطین سازماندهی شد. در پایان جنگ جهانی دوم، جمعیت یهودیان فلسطین به ۳۱ درصد از کل جمعیت افزایش یافت. پس از جنگ جهانی دوم، بریتانیا خود را تا سطوح محدودی در نبرد با کمپین چریکی یهودی بر سر محدودیت‌های مهاجرت یهودیان دید. هاگانا در یک مبارزه مسلحانه علیه قوانین حکومت بریتانیا به ایرگون و لچی پیوست. در همان زمان، صدها هزار نفر از بازماندگان و پناهندگان یهودی هولوکاست به دنبال زندگی جدیدی به دور از جوامع ویران شده خود در اروپا بودند. هاگانا در برنامه‌ای به نام آلیه بت که در آن ده‌ها هزار پناهجوی یهودی سعی کردند با کشتی وارد فلسطین شوند، تلاش کرد تا این پناهندگان را به فلسطین بیاورد. بیشتر کشتی‌ها توسط نیروی دریایی سلطنتی توقیف شدند و پناهجویان توسط بریتانیایی‌ها جمع‌آوری و در اردوگاه‌های واقع در اتلیت و قبرس قرار تحت بازداشت گرفتند.

نقشه سازمان ملل "طرح تجزیه فلسطین با اتحادیه اقتصادی": در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۶، ایرگون، مقر اداری بریتانیا برای فلسطین را که در بال جنوبی هتل کینگ دیوید در اورشلیم قرار داشت، بمباران کرد. در مجموع ۹۱ نفر از ملیت‌های مختلف کشته و ۴۶ تن نیز مجروح شدند. این هتل محل دیرخانه دولت فلسطین و مقر نیروهای مسلح بریتانیا در فلسطین تحت قیمومیت و ماوراء اردن بود. این حمله در ابتدا مورد تأیید هاگانا بود. این عملیات به عنوان پاسخی به عملیات آگاتا (مجموعه‌ای از حملات گسترده، از جمله حمله به آژانس یهود، که توسط مقامات بریتانیا انجام شد) در نظر گرفته شد و مرگبارترین حمله‌ای بود که در دوران قیمومیت علیه بریتانیا انجام شد. شورش یهودیان در سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ با وجود تلاش‌های هماهنگ ارتش بریتانیا و نیروی پلیس فلسطین برای سرکوب آن ادامه یافت. تلاش‌های بریتانیا برای میانجی‌گری، و یافتن راه‌حل جهت مذاکره با نمایندگان یهودی و عرب نیز شکست خورد، زیرا یهودیان حاضر به پذیرش هیچ راه‌حلی نبودند که یک کشور یهودی مستقل جزو شروط آن نباشد و با تقسیم فلسطین به دو کشور یهودی و عربی نیز مخالف بودند، حال آنکه اعراب نیز با هرگونه دولت دیگر مخالف بوده و تنها راه حل را فلسطینی یکپارچه تحت حاکمیت اعراب می‌دانستند. در فوریه ۱۹۴۷، انگلیسی‌ها موضوع فلسطین را به سازمان تازه تأسیس ملل متحد ارجاع دادند. در ۱۵ مه ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل تصمیم گرفت که کمیته ویژه سازمان در مورد فلسطین ایجاد شود تا «برای بررسی در جلسه آتی، مجمع گزارشی در مورد مسئله فلسطین آماده کند.» در گزارش کمیته مورخ ۳ سپتامبر ۱۹۴۷ به مجمع عمومی، اکثریت کمیته در فصل ششم طرحی را برای جایگزینی قیمومیت بریتانیا با عنوان «یک کشور مستقل عربی، یک کشور مستقل یهودی و اورشلیم [...] به عنوان آخرین موردی که تحت یک سیستم قیمومیت بین‌المللی قرار دارد» پیشنهاد کردند. در همین حین، شورش یهودیان ادامه یافت و در ژوئیه ۱۹۴۷ طی یک سری حملات گسترده چریکی که در ماجرای گروه‌بان‌ها به اوج رسید که در آن ایرگون دو گروه‌بان انگلیسی را به عنوان اهرم فشاری علیه اعدام برنامه‌ریزی شده سه عامل ایرگون گروگان گرفت. ایرگون افسران را پس از اجرای اعدام کشت.

به تاریخ سپتامبر ۱۹۴۷، کابینه بریتانیا به این نتیجه رسید که قیمومیت دیگر امکان استقرار ندارد و بایستی فلسطین را تخلیه نمایند. به بیان آرتور کریچ جونز، وزیر استعمار، چهار علت اصلی منجر به تصمیم‌گیری برای تخلیه فلسطین: انعطاف‌ناپذیری مذاکره‌کنندگان یهودی و عرب که تن به صلح و سازش در مواضع کلیدی خود در خصوص مسئله ایجاد یک کشور یهودی در فلسطین نبودند، همین‌طور استقرار پادگانی وسیع در فلسطین جهت مبارزه با شورش یهودیان و در عین احتمال شورش گسترده‌تر یهودیان و اعراب فشار سنگینی بر اقتصاد بریتانیا که از تبعات جنگ جهانی دوم نیز هنوز التیام نیافته بود، وارد کرد، در ادامه ضربه مهلکی بر «صبر انگلیس و متأثر شدن غرور ملی» ناشی از به دار آویختن گروه‌بان‌ها، همزمان با انتقادهای فزاینده‌ای که دولت در نتیجه تلاش برای یافتن راه حلی برای فلسطین وارد گردید. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، مجمع عمومی قطعنامه 181 (II) را تصویب نمود که تصویب و اجرای طرح تقسیم با اتحادیه اقتصادی را توصیه می‌کرد. طرح ضمیمه قطعنامه اساساً همان طرحی بود که اکثریت کمیته در گزارش ۳ سپتامبر پیشنهاد کرده بود. آژانس یهود، که نماینده شناخته شده جامعه یهودی محسوب می‌شد، طرحی را پذیرفت که به یهودیان - یک سوم جمعیتی که کمتر از ۷٪ از املاک را تحت مالکیت دارند - ۵۵٪ تا ۵۶٪ از زمین‌های فلسطین تحت قیمومیت را واگذار می‌کرد. اتحادیه عرب و کمیته عالی عربی فلسطین این طرح را رد و تأکید کردند که آنها هرگونه طرح تقسیم دیگری را نیز رد خواهند کرد. در ۱ دسامبر ۱۹۴۷، کمیته عالی عرب یک اعتصاب سه روزه را اعلام کرد و شورش در اورشلیم آغاز شد. وضعیت به یک جنگ داخلی می‌ماند. تنها دو هفته پس از رأی‌گیری سازمان ملل، آرتور کریچ جونز، وزیر استعمار، اعلام کرد که قیمومت بریتانیا در ۱۵ مه ۱۹۴۸ پایان می‌یابد و تا آن مقطع بریتانیایی‌ها تخلیه خواهند شد. هنگامی که شبه‌نظامیان و باندهای عرب به مناطق

یهودی حمله می‌کردند، عمدتاً با مقاومت هاگانا و همچنان ایرگون و لچی مواجه می‌شدند. در آوریل ۱۹۴۸، هاگانا به سوی منشأ این تاخت‌وتازها یورش برد. در این دوره ۲۵۰۰۰۰ عرب فلسطینی به دلیل تعدادی از عوامل فراری یا اخراج شدند.

تاریخ شکل‌گیری اسرائیل: همینک در مجله آنلاین فارسی‌ها با مطلب "تاریخ شکل‌گیری اسرائیل" در خدمت شما کاربران گرامی هستیم.

چگونگی پیدایش اسرائیل: بزرگترین دولت استعمارگر یعنی انگلستان، در ابتدای این قرن ۱۹ سعی کرد برای جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمان که همچون سرعت برق سراسر دنیا را فرا می‌گرفت سدی از انسانها مقابل این کشور به وجود آورد و برای رسیدن به این هدف بزرگ در برقرار نمودن ارتباط با کشورهایمانند هلند، بلژیک، اسپانیا، پرتغال و ایتالیا کوشش فراوانی نمود تا اینکه بالاخره توانست در سال ۱۹۰۷ میلادی کنفرانسی از بزرگ‌ترین سیاستمداران این کشورها تشکیل دهد. این کنفرانس بیش از یک هفته به طول انجامید و در پایان اعلامیه‌ای به این مضمون صادر نمود: «بزرگترین خطری که ممکن است متوجه غرب شود بیرون رفتن سواحل دریای مدیترانه از دست انگلستان است این دریا حلقه‌ی اتصال شرق و غرب است که در دست مسلمانان می‌باشد، مسلمانانی که ملت واحدی هستند و دارای زمینهای وسیع و منابع سرشاری نیز می‌باشند، ممکن است این ملت بزرگ به پا خواسته و خود را از قید اسارت آزاد سازد، به همین دلیل به کشورهای بزرگ توصیه می‌شود این ملت واحد را متلاشی نموده و از اتحاد و بیداری آنها جلوگیری نمایند که اولین مرحله‌ی آن جدا نمودن آفریقا از آسیا و از بین بردن هرگونه اتحادی میان این دو قاره است» این نخستین عاملی بود که دولتهای استعمارگر را به فکر ایجاد یک دولت کاملاً مختلف نسبت به سایر دولتها آن هم کنار دریای مدیترانه انداخت ولی این مطلب تنها دلیل وجود اسرائیل نیست زیرا عامل دیگری نیز به نام دین در این امر سهیم بود. ریشه‌های عامل دوم را حدود سه هزار سال پیش یعنی دقیقاً در سالی که یهود از فلسطین خارج شدند باید جستجو کرد، سالی که آنها در فراق فلسطین گریه و زاری کردند که «حائط مبیکی» شاهدهی است بر این گفتار، دیواری که در بیت المقدس ناظر گریه و زاریهای بسیاری از یهود بوده و آخرین آن گریه‌های شوقی بود که از نخست وزیر، علما و سران یهود پس از شکست مسلمانان، نزد آن شنیده شد. سال ۱۱۷ میلادی بود که «بارکوخیا» بنی اسرائیل را برای تاسیس دولتی در فلسطین جمع نمود که عاقبت به پیروزی نرسید و این آرزو را به گور برد. پس از آن حرکت‌های مسلحانه برای تاسیس دولتی در این منطقه انجام شد ولی هیچ یک به پیروزی نرسیدند، تا زمانی که در سال ۱۸۹۷ میلادی در شهر «بال» کنفرانسی به ریاست «تئودور هرتسل» تشکیل شد تا بتوانند اولین گامها را برای ایجاد چنین دولتی بردارند. دقیقاً در چنین شرایطی جنگ جهانی اول شروع شد و نگرانی عجیبی جهان و به خصوص یهود را فرا گرفت. انگلستان برای رسیدن به هدف خود احتیاج شدید به یهود پیدا کرد، یهود نیز برای چنین روزی دقیقه شماری می‌کرد فرصت را غنیمت شمرده، متعهد شد در مقابل تشکیل دولتی برای یهود در فلسطین توسط انگلستان، آنها نیز به هر قیمتی آمریکا را داخل جنگ کنند.

در این هنگام آقای «حاییم وایزمن» رهبر صهیونیستها، آقایان «روتشیلدر، لوید جورج، وینستون چرچیل و بالفور» را تحت فشار قرار داد که فوراً عهدنامه‌ای جهت حکومت یهود در فلسطین صادر کنند، انگلستان که از قبل وعده‌ی چنین عهدنامه‌ای را به آنها داده بود به وزارت جنگ کشورش دستور داد صورت این عهدنامه را طوری تنظیم نماید که یهود را راضی کرده و در مقابل عواطف و احساسات عرب را تحریک نکند. این عهدنامه در دوم نوامبر ۱۹۱۷ میلادی به امضای انگلیس رسید ولی مسلمانان پس از سقوط خلافت اسلامی و متزلزل شدن فلسطین در سال ۱۹۱۸ میلادی یعنی دقیقاً یکسال پس از تنظیم عهدنامه از آن باخبر شدند! سال ۱۹۲۰ میلادی بود که دولت انگلستان اعلام کرد از این زمان به بعد حکومت نظامی فلسطین به حکومت مدنی تبدیل خواهد شد. این عهدنامه در سال ۱۹۲۲ میلادی به تصویب سازمان ملل متحد که خود دست‌نشانده‌ی یهود بود رسید، انگلستان نیز بی‌درنگ آقای «هربرت صموئیل» یهودی را به عنوان نماینده‌ی سامی انگلستان به فلسطین فرستاد.

جغرافیای فلسطین: فلسطین سرزمینی عربی و اسلامی است، که در قدیم کنعان نام داشت. حدود ۲۷۰۲۴ کیلومتر مربع مساحت دارد که دریای مدیترانه در غرب، لبنان در شمال، سوریه و رود اردن در شرق و دریای سرخ و شبه جزیره سینا در جنوب و جنوب غربی آن قرار دارد. فلسطین سرزمینی حاصلخیز و دارای آب و هوای معتدل است. این منطقه محل ظهور پیامبران بزرگی، چون عیسی (ع)، موسی (ع) و محل عبور و زندگانی حضرت ابراهیم (ع) بوده است. صموئیل طی پنجاه سالی که در فلسطین بود دست به اقداماتی زد که برخی از این اقدامات عبارتند از:

- ۱- سکونت دادن ششصد هزار یهودی مهاجر
- ۲- دادن پستهای مهم به یهود
- ۳- خریداری زمینهای عربها با توسل به زور و واگذار کردن آنها به یهود
- ۴- منحصر نمودن امتیاز تجارت خارجی به یهود
- ۵- ممنوع کردن حمل سلاح بر عربها
- ۶- قرار دادن تسهیلات فراوانی جهت خریداری اسلحه برای یهود

چگونگی شروع انتفاضه: ناآرامی در سرزمینهای اشغالی از ماه مه ۱۹۸۷ شدت یافت. ناآرامی ها از آنجا آغاز شد که شش مجاهد فلسطینی توانستند در روز ۱۷ ماه مه ۱۹۸۷ از زندان مرکزی «غزه» فرار کنند. این شش نفر همگی از اعضای «جهاد اسلامی فلسطین» بودند و ارتش اسرائیل برای دستگیری آنان تمام راههای منتهی به «نوار غزه» را به مدت چند روز بست، اما فایده ای نکرد. بعدها معلوم شد که دو نفر از آنها از مرز گذشته و به یک کشور عربی مجاور پناه برده اند. سه نفر هم در داخل سرزمین های اشغالی هستند و آخرین نفر که «علی صالح شیتیوی» می باشد، چندی بعد دستگیر شد. در دوم اوت از چریک ها که بعداً معلوم شد وابسته به هسته های «جهاد اسلامی» فلسطین هستند، به یک گروه گشتی اسرائیلی در وسط شهر اشغالی غزه حمله کردند و فرمانده پلیس نظامی اسرائیل در این شهر را به قتل رساندند. این حادثه دولت اسرائیل را برانگیخت و «اسحاق رابین» وزیر جنگ وقت اسرائیل را بر آن داشت که علناً سوگند یاد کند که انتقام خواهد گرفت. جنبش فلسطینی که از «غزه» شروع شده بود سریعاً به بیت المقدس و بقیه سرزمین های اشغالی کرانه باختری کشیده شد. شهروندان عرب فلسطینی در سرزمین های اشغالی و عربهای داخل خاک اسرائیل به وحدت و توافقی دست یافتند که قبلاً هرگز نظیر آن را مشاهده نکرده بودند. همه اقشار مردم از پیر و جوان زن و مرد، مسلمان و مسیحی، شهروند و پناهندگان اردوگاه ها بخوبی این وحدت را لمس کردند و بدین ترتیب از روز هشتم دسامبر ۱۹۸۷، که شعله قیام با کشته شدن ۴ تن از کارگران فلسطینی افروخته شد، بزرگترین و گسترده ترین قیام فلسطینیان در سرزمین های اشغالی پس از سال ۱۹۷۶ آغاز شد. که این قیام به «انتفاضه» - یعنی جنبش و لرزش و حرکتی که همراه با نیرو و سرعت باشد- موسوم شد و هر روز بر وسعت آن افزوده گردید.

روز قدس: نامه شهید سردار سلیمانی به فرمانده گردانهای قسام (فلسطین): شبکه المیادین نامه ای که سردار قاسم سلیمانی قبل از شهادتش به محمد الضیف فرمانده گردانهای قسام نوشته بود را منتشر کرد. فرمانده فقید سپاه قدس در نامه خود از محمد الضیف به عنوان شهید زنده و رزمنده ای شجاع یاد کرده و به ملت شجاع فلسطین که در محاصره مظلومانه ای در برابر چشمان میلیون ها مسلمان قرار دارند، درود فرستاده بود. در این نامه سردار سلیمانی خطاب به محمد الضیف نوشته است: همه مطمئن باشند که ایران فلسطین را هر اندازه که فشارها بیشتر شود و تحریم ها تشدید شود، تنها نخواهد گذاشت. فرمانده فقید سپاه قدس در نامه خود خطاب به فرمانده گردانهای قسام، همچنین به اسماعیل هنیه درود و سلام فرستاده و از وی به عنوان مبارزی مقاوم یاد کرده بود. در این نامه سردار سلیمانی خطاب به محمد الضیف نوشته است: دفاع از فلسطین افتخاری برای ما محسوب می شود و از این وظیفه در مقابل متاع دنیا چشم پوشی نخواهیم کرد. دوستان فلسطین دوستان ما هستند و دشمنان فلسطین دشمنان ما هستند و این سیاست ما بوده و خواهد بود. شهید سلیمانی تاکید کرده است: دفاع از فلسطین مصداق دفاع از اسلام است و هر که ندای شما را بشنود و توجهی نکند، مسلمان نیست. فجر پیروزی به یاری پروردگار نزدیک خواهد بود زنگ مرگ صهیونیست های متجاوز به صدا درآمده است. امیدواریم که خداوند به ما توفیق حضور در کنار شما را بدهد و ما را به آرزویمان؛ شهادت در راه فلسطین برساند. منبع: باشگاه خبرنگاران جوان، حوزه نت، راسخون، خبرگزاری بین المللی قدس.

کشور اسرائیل تاسیس شد: در ۱۴ می ۱۹۴۸، در تل آویو، دیوید بن گوریون، رئیس آژانس یهود، رسماً تشکیل دولت اسرائیل را اعلام و اولین کشور یهودی را پس از ۲۰۰۰ سال تأسیس کرد. جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل به پایان رسید/ نتایج جنگ چه بود؟ به گزارش ره آورد نیوز، در می ۱۹۴۸ مصادف با اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ شمسی، در تل آویو، دیوید بن گوریون، رئیس آژانس یهود، رسماً تشکیل دولت اسرائیل را اعلام کرد.

در دوردست، صدای غرش تفنگ ها از درگیری هایی که بلافاصله پس از عقب نشینی ارتش بریتانیا در اوایل آن روز بین یهودیان و اعراب درگرفت، شنیده می شد. مصر در همان شب تولد کشور جدید حمله هوایی به اسرائیل را آغاز کرد. علیرغم

خاموشی برق در تل آویو - و حمله مورد انتظار اعراب - یهودیان تولد ملت جدید خود را جشن گرفتند، به ویژه پس از دریافت خبر به رسمیت شناختن دولت یهود توسط ایالات متحده آمریکا. در نیمه شب، دولت اسرائیل به طور رسمی پس از پایان مأموریت بریتانیا در فلسطین به وجود آمد. اسرائیل مدرن خاستگاه خود را در جنبش صهیونیسم می‌داند که در اواخر قرن نوزدهم توسط یهودیان امپراتوری روسیه تأسیس شد که پس از تحمل آزار و اذیت، خواستار ایجاد یک کشور سرزمینی یهودی بودند. در سال 1896، تئودور هرتزل، روزنامه‌نگار یهودی-اتریشی، یک جزوه سیاسی تأثیرگذار به نام «دولت یهودی» منتشر کرد که در آن استدلال می‌کرد که تأسیس یک دولت یهودی تنها راه محافظت از یهودیان در برابر یهودستیزی است. فلسطین تحت کنترل عثمانی، خانه اصلی یهودیان، به عنوان مطلوب ترین مکان برای یک کشور یهودی انتخاب شد و هرتزل ناامیدانه از دولت عثمانی درخواست کرد تا یک کشور یهودی را تشکیل دهد. پس از انقلاب شکست خورده روسیه در سال 1905، تعداد فزاینده ای از یهودیان اروپای شرقی و روسیه شروع به مهاجرت به فلسطین کردند و به چند هزار یهودی که زودتر وارد شده بودند، پیوستند. مهاجران یهودی بر استفاده از زبان عبری به عنوان زبان گفتاری خود اصرار داشتند. با فروپاشی امپراتوری عثمانی در طول جنگ جهانی اول، بریتانیا بر فلسطین مسلط شد. در سال 1917، بریتانیا «اعلامیه بالفور» را صادر کرد که در آن قصد خود را برای ایجاد یک سرزمین یهودی در فلسطین اعلام کرد.

اگرچه اعلامیه بالفور مورد اعتراض کشورهای عربی قرار گرفت، اما با اختیاری که بریتانیا بر فلسطین داشت توسط جامعه ملل در سال 1922 رسمیت پیدا کرد؛ اما به دلیل مخالفت اعراب با تأسیس هر کشور یهودی در فلسطین، حاکمیت بریتانیا در طول دهه 1920 ادامه یافت. در آغاز سال 1929، اعراب و یهودیان آشکارا در فلسطین با هم جنگیدند و بریتانیا تلاش کرد تا مهاجرت یهودیان را به عنوان ابزاری برای مماشات با اعراب محدود کند. در نتیجه هولوکاست در اروپا، بسیاری از یهودیان در طول جنگ جهانی دوم به طور غیرقانونی وارد فلسطین شدند. گروه‌های یهودی از تروریسم علیه نیروهای انگلیسی در فلسطین استفاده کردند که به نظر آنها به آرمان صهیونیستی خیانت کرده است. در پایان جنگ جهانی دوم، در سال 1945، ایالات متحده آمریکا به مبارزه صهیونیستی پرداخت. بریتانیا که نتوانسته بود راه حلی عملی برای تأسیس کشور اسرائیل پیدا کند، این مشکل را به سازمان ملل ارجاع داد که در نوامبر 1947 به تجزیه فلسطین رای داد. یهودیان باید بیش از نیمی از فلسطین را در اختیار داشته باشند، اگرچه آنها کمتر از نیمی از جمعیت فلسطین را تشکیل می‌دادند. اعراب فلسطینی با کمک داوطلبانی از کشورهای دیگر، با نیروهای صهیونیست جنگیدند، اما تا 14 مه 1948، یهودیان کنترل کامل سهم خود از فلسطین و همچنین برخی از اراضی عربی را که سازمان ملل به آنها اختصاص داده بود، به دست آوردند.

اسرائیلی‌ها، اگرچه کمتر مجهز بودند، اما موفق شدند با اعراب بجنگند و سپس سرزمین‌های کلیدی مانند جلیل، سواحل فلسطین، و نواری از قلمرو را که منطقه ساحلی را به بخش غربی بیت‌المقدس متصل می‌کند، تصرف کنند. در سال 1949، آتش بس با میانجیگری سازمان ملل، دولت اسرائیل را در کنترل دائمی این سرزمین فتح شده قرار داد. خروج صدها هزار عرب فلسطینی از اسرائیل در طول جنگ، این کشور را با اکثریت قابل توجهی یهودی مواجه کرد. در جریان سومین درگیری اعراب و اسرائیل - جنگ شش روزه 1967 - اسرائیل مجدداً مرزهای خود را به شدت افزایش داد و از اردن، مصر و سوریه شهر قدیمی اورشلیم، شبه جزیره سینا، نوار غزه، کرانه باختری و ... را تصرف کرد. بلندی‌های جولان در سال 1979، اسرائیل و مصر یک توافقنامه صلح تاریخی امضا کردند که در آن اسرائیل سینا را در ازای به رسمیت شناختن و صلح مصر بازگرداند. اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در سال 1993 توافقنامه صلح بزرگی را امضا کردند که اجرای تدریجی خودگردانی فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه را پیش بینی می‌کرد. با این حال، روند صلح اسرائیل و فلسطین به کندی پیش رفت و در طول بیست و یکمین دوره جنگ بزرگ بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی از سر گرفته شد.

منشور استقلال اسرائیل: در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۴۸ - ۵ ايار ۵۷۰۸ عبری و هم‌زمان با پایان قیمومیت بریتانیا بر فلسطین، توسط اعضای مجمع موقت ملی اسرائیل به امضا رسید. این منشور تلاش ملت یهود را برای بازگشت به سرزمین تاریخی قوم یهود و اعلام برپائی کشور مستقل اسرائیل بر اساس قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل بازگو می‌کند و به نام دولت آینده اسرائیل تعهد می‌دهد که اعراب مقیم این کشور از آزادی و تساوی حقوق کامل برخوردار خواهند بو. بر اساس تقویم عبری در اسرائیل، روز ۵ ايار، تعطیل رسمی و از اعیاد ملی است. در مقابل فلسطینی‌ها سالگرد تأسیس اسرائیل را «یوم النکبه» (روز نکبت) می‌نامند.

تاریخچه: در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۴۸ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷)، ۲۵۰ صهیونیست در موزه وقت تل آویو به آدرس «پلاک ۱۶، بلوار روتشیلد»، جلسه‌ای را تشکیل داده و تصمیماتی را اتخاذ کردند که آن جلسه را به یکی از مهم‌ترین و تاریخی‌ترین جلسات قرن بیستم تبدیل کرد. [۳] شماره ۱۶ مه ۱۹۴۸ روزنامه «فلسطین پُست» که بعدها به اورشلیم پست تغییر نام داد. در تیتراصلی نوشته شده: "کشور اسرائیل متولد شد."

« در سرزمین اسرائیل بود که ملت یهود به پا خاست و در همین سرزمین بود که چهره معنوی و ماهیت مذهبی و سیاسی این ملت شکل گرفت و از سیادت و حق حاکمیت ملی برخوردار گردید. در خاک سرزمین اسرائیل بود که یهودیان فرهنگ ملی و جهان‌شمول خویش را به وجود آوردند و تورات «کتاب کتاب‌های جاودانه» را برای جهانیان به ارمغان آوردند. با آن که ملت یهود از سرزمین خود با زور و اجبار رانده شد و در سرزمین‌های بیگانه پراکنده گردید، انسان یهودی وابستگی و تعلق خود را به سرزمین اسرائیل به دست فراموشی نسپرد و هیچ‌گاه از نیایش و امید برای بازگشت دگربار به میهن اجدادی و رسیدن دوباره به آزادی سیاسی باز نایستاد. به دلیل تعلقات تاریخی و سنتی، یهودیان در تمامی نسل‌های خود در آرزوی بازگشت به سرزمین اسرائیل و استقرار دوباره در میهن باستانی خود بوده‌اند و در نسل‌های اخیر بازگشت همگانی یهودیان به سرزمین اسرائیل رخ داده است، که در چارچوب پیشگامان و پیشاهنگان و مبارزان، روح یهودی را به این سرزمین بازگردانده‌اند؛ زبان عبری احیا شده است، شهرها و روستاهایی را شالوده‌ریزی کرده و برپا ساخته‌اند و کشوری شکل گرفته که بر اقتصاد و فرهنگ خود حاکم شده است و در واقع موجودیت اجتماعی، فرهنگی و ملی سرزمین اسرائیل را زنده کرده‌اند. این ملتی است که در اشتیاق صلح به سر می‌برد و از خود دفاع می‌کند و برکت پیشرفت برای زندگی همه ساکنان این سرزمین را بشارت می‌دهد و جان خود را در راه استقلال ملی خویش نثار می‌کند. در ۱۸۹۷ میلادی، کنگره جهانی صهیونیسم با فراخوانی تئودور (بنیامین زئب) هرتسل، که رویای شالوده‌ریزی کشور یهود را بشارت داده بود، برپا گردید، و حق ملت یهود را برای برپایی کیان ملی در سرزمین پدری خویش اعلام کرد. این حق در اعلامیه بالفور در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷، به رسمیت شناخته شد و مجمع عمومی ملل متفق آن را تصویب کرد. این مجمع به رابطه تاریخی ملت یهود و سرزمین اسرائیل اعتبار بین‌المللی بخشید و تأیید کرد که ملت یهود از حق خویش برای بهره‌مند بودن از استقرار در خانه ملی خود برخوردار است. فاجعه «شوآه» (هولوکاست)، که طی آن میلیون‌ها نفر از یهودیان اروپا کشته شدند، بار دیگر به روشنی و بدون هیچ تردیدی ثابت کرد که راه‌کار معضل ملت یهود که از نداشتن مام میهن و استقلال برای خود ناشی می‌شد، برپاسازی دوباره کشور یهودی در سرزمین اسرائیل است. کشور یهود باید به روی همه یهودیان گشوده باشد و به ملت یهود مقام و جایگاه یک ملت متساوی‌الحقوق با سایر ملل را اعطا کند. پناهندگان بازمانده از کشتار هولناک نازی‌ها در اروپا و یهودیان در دیگر سرزمین‌ها علی‌رغم همه سختی‌ها و موانع و مخاطرات، از مهاجرت به سرزمین اسرائیل باز نایستادند و دمی از پیگیری حق خود در برخورداری از زندگی توأم با احترام بشری و بهره‌مندی از آزادی در میهن خود فرو نماندند.

در جنگ جهانی دوم، یهودیان بازگشته به سرزمین اسرائیل، تمامی توان خود را در اختیار مبارزه ملت‌های صلح‌خواه علیه نازی‌ها قرار دادند، و در این راه بهترین فرزندان خود را قربانی کردند و به گردونه مبارزه با نازی‌ها دست یاری دادند که از ثمرات این تکاپوی عظیم، همه ملل جامعه متحد جهانی بهره‌مند شدند. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، قطعنامه‌ای به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که مقرر می‌کند کشور یهودی باید در سرزمین اسرائیل برپا شود. در این قطعنامه از ساکنان سرزمین تاریخی اسرائیل خواسته شده که خود اقدام‌های لازم را برای اجرای مفاد این قطعنامه به عمل آورند. این قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در آن حق یهودیان برای برپایی دوباره کشور خود مورد تأیید قرار گرفته، ابطال ناپذیر است. این حق مسلم ملت یهود است که مانند هر ملت دیگری از استقلال ملی برخوردار گردیده و دارای حاکمیت ملی خویش باشد. بنابراین ما، اعضای شورای مردمی، نمایندگان جامعه یهودی و جنبش صهیونیسم، هم‌زمان با پایان گرفتن قیمومت بریتانیا بر این خاک، در اینجا گردهم آمده‌ایم و به برکت حق طبیعی و تاریخی‌مان، و با تکیه بر مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، برپائی کشور مستقل یهودی در سرزمین اسرائیل را اعلام می‌کنیم. ما تعیین می‌کنیم که از لحظه پایان گرفتن قیمومت بریتانیا، که امشب خواهد بود، از بامداد شنبه ۶ ايار سال ۵۷۰۸ (عبری) (۱۵ مه ۱۹۴۸) و تا برپایی بنیادها و نهادهای حکومتی برگزیده مردم که امری واجب برای هر کشور است، و بر اساس قانون اساسی کشور که تصویب مجلس موسسان تدوین و تصویب خواهد شد، و این امر حداکثر تا ۱ اکتبر ۱۹۴۸ میلادی انجام خواهد گردید، مجمع ملی به مثابه شورای موقت کشوری عمل خواهد کرد، و نهاد اجرایی آن، امور ملت را اداره خواهد کرد، و به مثابه دولت موقت کشور یهودی؛ کشور اسرائیل خواهد بود. درهای کشور اسرائیل به روی مهاجرت و بازگشت یهودیان و گردآوری پراکندگان در سراسر جهان گشوده است. دولت اسرائیل برای آبادانی و عمران این سرزمین به سود همه ساکنان آن تلاش خواهد کرد. کشور اسرائیل بر

پایه اصول آزادی، عدالت و صلح که آرمان و خواست همه پیامبران یهود بوده است، برپا می شود. کشور اسرائیل تساوی حقوق اجتماعی و سیاسی کامل را برای همه ساکنان آن، بدون تفاوت میان پیروان مذاهب، نژادها و جنسیت‌های مختلف رعایت می کند و آزادی مذهب، وجدان، زبان، آموزش و فرهنگ را محترم می شمارد. اسرائیل پاسدار اماکن مقدس همه ادیان خواهد بود و به اصول منشور جهانی حقوق بشر وفادار خواهد ماند و برای اجرای قطعنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ تلاش خواهد کرد و به هدف تأمین وحدت اقتصادی سراسر این سرزمین، اقدام خواهد کرد. ما سازمان ملل متحد را فرا می خوانیم تا به ملت یهود برای بنیان نهادن کشور خود دست یاری دهد و اسرائیل را به عنوان عضوی متساوی الحقوق با کشورهای دیگر بپذیرد ما اعراب ساکن کشور اسرائیل را - حتی در این روزهایی که در معرض هجوم خونین آنان قرار داریم - فرا می خوانیم تا صلح را رعایت کنند و به شکل گیری کشور جدید دست یاری دهند و از حق شهروندی کامل بهره مند گردند و در همه نهادها و بنیادهای ملی و حکومتی دارای نمایندگان خویش باشند. ما دست صلح و حسن همجواری به سوی همه کشورهای همسایه و ملت‌های آن‌ها دراز می کنیم و آنان را به همکاری و همیاری با ملت مستقل یهود در سرزمین پدری او فرا می خوانیم. کشور اسرائیل حاضر است سهم خود را در تلاش مشترک برای پیشبرد سراسر کشورهای خاورمیانه ایفا کند. ما ملت یهود در سرزمین‌های پراکندگی را فرا می خوانیم تا با مهاجرت خویش به کشور نوپای اسرائیل آن را تقویت کنند و برای آبادانی کشور یهودی دست یاری دهند و در پیکاری که به هدف اجرای آرمان‌های دیرینه یهودیان به هدف بازرسیدن به نجات قوم اسرائیل جریان دارد سهیم گردند. با توکل به صخره اسرائیل (پروردگار یکتا)، ما گردآمدگان در نشست مجمع موقت ملی در شهر تل آویو، امروز و در این شامگاه شنبه ۵ ايار از سال ۵۷۰۸ عبری (۱۴ مه ۱۹۴۸) با امضای خود شاهی بر اعلامیه استقلال در خاک میهن خود هستیم».

با پایان یافتن جنگ جهانی اول و بدست گرفتن کنترل فلسطین توسط بریتانیایی ها داستان آغاز می شود. در آن زمان فلسطین دارای جمعیت اکثریت عرب و اقلیت یهودی بوده است. در آن زمان جامعه جهانی به بریتانیا وظیفه سپرده بود که برای یهودیان خانه ملی بسازد و بنا از سال ۱۹۲۰ جابجایی یهودیان در فلسطین آغاز شد و در جریان جنگ جهانی دوم با کشتار یهودیان از سوی آلمان نازی شدت گرفت. در سال ۱۹۴۷ ملل متحد رای داد که فلسطین به دو کشور جداگانه عرب‌ها و یهودیان تقسیم شود و بیت المقدس یا اورشلیم نیز به یک شهر بین‌المللی باشد. حاکمان بریتانیایی در سال ۱۹۴۸ منطقه را ترک کردند و دولت اسرائیل تاسیس شد که منجر جنگ اول اسرائیل و کشورهای همسایه مصر، عراق، سوریه، اردن و لبنان شد. برای اسرائیل این جنگ استقلال بود، اما برای کشورهای عربی فاجعه، زیرا صدها هزار فلسطینی به دنبال این جنگ آواره شده و سرزمین‌های خود را از دست دادند. جنگ دوم اسرائیل و کشورهای عرب در سال ۱۹۶۷ رخ داد که معروف به جنگ شش روزه است. در این جنگ اسرائیل نیروهای متحد کشورهای عربی را شکست داد و بلندی‌های جولان را از سوریه، غزه و شبه جزیره سینای را از مصر و کرانه باختری را از نیروهای اردن تصرف کرد. همچنان روند شهرک‌سازی یهودی نشین که از سوی ملل متحد به غیرقانونی شناخته می‌شود، در نوار غزه و کرانه باختری آغاز شد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ فلسطینی‌ها دست به مقاومت مردمی و تظاهرات‌هایی گسترده زدند و به سوی سربازان و تانک‌های اسرائیلی سنگ پرتاب می‌کرد که این امر به ایجاد گروه حماس منجر شد. در دهه ۱۹۹۰ مذاکرات صلح میان فلسطین و اسرائیل آغاز شد و در سال ۱۹۹۳ سازمان آزادی بخش فلسطین و اسرائیل که به توافق اسلو معروف است را با کاخ سفید به امضا رساندند. بر بنیاد توافق، برای فلسطین یک دولت خودگردان در نوار غزه و کرانه باختری در نظر گرفته شد و سازمان آزادی‌بخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات نیز اسرائیل را به رسمیت شناخت. بر بنیاد این توافق، کرانه باختری نیز به سه بخش تقسیم شد؛

بخش اول، زیر اداره دولت خودگردان فلسطین؛

بخش دوم، زیر اداره اسرائیل؛

بخش سوم به گونه مشترک اداره می‌شود.

در اوایل قرن بیست و یکم، اسرائیل برای گرفتن بخش‌های بیشتر بیت المقدس شرقی؛ جایی که مسجد القصبی موقعیت دارد، تلاش کرد و ادامه تنش میان اسرائیل و مردم فلسطینی منجر افزایش تخریب محل‌های سکونت فلسطینی‌ها و ساخت شهرک‌ها برای شهروندان اسرائیل، شد و نیز حضور مقاومت‌های مسلحانه در میان فلسطین شد. با مرور سوابق بالا آیا امیدی هست که نشست دیگری درمورد حل و فصل این مشکل تاریخی و گره کور اختلافات بین اسرائیل و فلسطین، به نتیجه برسد؟

خواست فلسطین عدالت طلبی و آزادی سرزمین آشغالی شان است!! : تمامی قدرت های استعماری غرب با سرکردگی انگلیس با طرح بسیار زیرکانه و اهریمنانه بعد از آن همه تحقیر و تبعیضات مذهبی و نژادی بر آوارگان یهودی در سراسر اروپا و در آخر کار قتل عام آنها بوسیله کوره های آدم سوزی هیتلری که الهام از نفرت ها و کینه های تاریخی گذشته می گرفت این جنایت عظیم تاریخی را منتقل کردند به شرق میانه و با این کار به دو هدف بزرگ دست یافتند . یکی اینکه بجای پرداخت هزینه جنایات خود به یهودیان سرزمین های فلسطینیان را پاداش دادند . امروز مردم فلسطین بگونه همه شرق میانه هزینه جنایات فاشیسم اروپا را می پردازند . دیگر اینکه از نظر روانی و تاریخی فلسطین را بلا گردن همه جنایات مرتکب شده خود در ذهن یهودیان ساختند و با این کار روان زخم خورده آنها را با ریختن خون کودکان فلسطین تشفی دارند . این یکی از اهداف سیاسی خیلی شیطانی مجرمانه بود که با ابزار قرار دادن نژاد یهود و مذهب یهود و حق تاریخی آنها به اجرا گذاشته شده . استعماری غرب به خوبی آگاه بودند که این هدف سیاسی استعماری مشترک آنها در پوشش بهانه های تاریخی ، مذهبی و نژادی برآورده خواهد شد . قدرت های اروپایی با پیشقراولی استعمار جدید تازه نفس آمریکا دولت اسرائیل را با تمام نیرو و امکانات به عنوان یک پایگاه بزرگ کل استعمار غرب بر سر کشورهای شرق میانه گماردند . از طرف دیگر همه تلاش ها و ترفند ها رابه کار بستند تا رژیمهای قبایلی و خانوادگی دیکتاتور راد کشورهای عربی بر سر قدرت نگهدارند و با هر دو وسیله یکی از بیرون و دیگری از داخل از ظهور هرگونه جنبش ضد استعماری آزادیخواه در این کشورها جلوگیری بعمل آرند . فاجعه فلسطین عارضه این رژیمهای ضعیف سرسپرده استعمار و انحطاط ، نوکرصفتی سران عرب است همچنان تفرقه حاکم در شرق میانه و گل جهان اسلام ، پیچیدگی و تداوم این فاجعه در و با هر دو وسیله یکی از بیرون و دیگری از داخل از ظهور هرگونه جنبش ضد استعماری آزادیخواه در این کشورها جلوگیری بعمل آرند . فاجعه فلسطین عارضه این رژیمهای ضعیف سرسپرده استعمار و انحطاط ، نوکرصفتی سران عرب است همچنان تفرقه حاکم در شرق میانه و گل جهان اسلام ، پیچیدگی و تداوم این فاجعه در موازات ذلت روزافزون و خیانت این سران قرار دارد . در حال که همه کشورهای مستعمره تدریجاً خود را از زیر یوغ استعمار رها کردند اما این رژیمهای مفلوک و خانوادگی هنوز هم مزدور و غلامان حلقه بگوش آمریکا اند . بنابر سرسپردگی آنها به غرب فلسطینیان قربانی این معامله قرار گرفتند . باید به تاکید گفت که فلسطین یگانه قلب تپنده ایست که در پیکر فاسد و مرگ فرسوده اعراب به حیات و حرکت آزادیخواهی و عدالت خواهی ادامه میدهد . فاجعه فلسطین ننگیست بر پیشانی این رژیمهای فاسد و نوکرصفت عرب و در نهایت همه مسلمین و عزت و اعتبار جهان عرب و کل مسلمین به پیروزی این جنبش بستگی دارد . آمریکا همه سران عرب که نسبتاً احساس آزادیخواهی داشتند و از دستایر آمریکا نافرمانی میکردند و مخالف توسعه طلبی اسرائیل بودند به قتل رسانید و یا سرنگون ساخت مثل صدام حسین ، قذافی ، محمد مرسی . . . و امروز همه سران حاکم در این منطقه از نوکران و غلامان خانه زاد آمریکا محسوب میشوند . هر قطره خون و هر گلوله داغ مقاومتگران فلسطین در برابر استعمار گستاخ و عریان اسرائیل احیاگر آبرو و اعتبار از دست رفته اعراب است . باید دانست که بانوکرصفتی به استعمار و خیانت به خود نمیتوان به آزادی و عدالت رسید . رسیدن به آزادی ، عدالت ، عزت و دور اندیشی و تعهد به منافع مردم سرشوریده و قربانی میخواهد عزت و دور اندیشی و تعهد به منافع مردم سرشوریده و قربانی میخواهد اگر چنین نبود این همه خون در تاریخ جاری نمی شد . مقاومتگر فلسطین یگانه جنبش عدالتخواهی آزادیخواهی است که در نابرابری تمام با دشمن قرار دارد . یکطرف جوانان کودکائی که سنگریزه و فلاخمان بدست دارند ، طرف دیگر سربازانی تا دندان مسلح و دارای تمام امکانات نظامی مدرن که بزرگترین قدرت جهان یعنی آمریکا و انگلیس و کل استعمار غرب حامی آن است قرار دارد آنچه فلسطین میخواهد حق ابتدایی اش یعنی آزادی سرزمین شان که توسط اسرائیل غضب و اشغال شده میباشد که این حق انسانی ، قانونی و اخلاقی آنهاست و این حق است که به آنها حیات و حرکت می بخشد . خداوند با حق است و حق پیروز شدنی است انشاءالله . عبدالرحمن نثار

نگاهی به آخرین تحولات جنگ حماس . اسرائیل / ادعای رسانه آمریکایی درباره خبر داشتن صهیونیست ها از عملیات حماس : آژانس های اطلاعاتی آمریکا درباره حمله حماس هشدار داده بودند

در همین حال، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه درخواست اسرائیل برای خروج تمام غیرنظامیان در شهر غزه را «غیرقابل قبول» توصیف کرد. وی افزود: «مجبور کردن جمعیت غزه به مهاجرت در ۲۴ ساعت غیرقابل قبول است» شورای پناهندگان نیز که در اسرائیل فعالیت می کند، درخواست اسرائیل برای ترک خانه های ۱.۲ میلیون نفر از مردم غزه را جنایت جنگی توصیف کرد. جان کری، سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید نیز درخواست اسرائیل از بیش از یک میلیون غیرنظامی در شمال غزه برای جابجایی در مدت ۲۴ ساعت یک کار دشوار است. در همین حال، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی پس از دستور ارتش اسرائیل برای خروج بیش از یک میلیون نفر از شمال نوار غزه، نسبت به آوارگی

گسترده فلسطینی‌ها هشدار داد و آن را با تبعید سال ۱۹۴۸ مقایسه کرد. کاخ سلطنتی اردن نیز در بیانیه ای اعلام کرده، عبدالله دوم پادشاه این کشور نسبت به «هرگونه تلاش برای آواره کردن فلسطینی‌ها از تمام سرزمین‌های فلسطینی یا تحریک به آوارگی آن‌ها» هشدار داده و در دیدار با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا گفته: «بحران نباید به کشورهای همسایه سرایت و موضوع پناهندگان را تشدید کند.»

دیپلماسی فعال ایران در محور مقاومت : ایران در این روزها تلاش کرده با دیپلماسی فعالانه خود از کشتار مردم جلوگیری کند. این ابزارها شامل بهره برداری از ابزارهای میدانی و دیپلماسی بوده است. در این راستا حسین امیرعبداللہیان، که دیروز به لبنان سفر کرد در بیروت از احتمال بازشدن جبهه‌های جدیدی در جنگ حماس و اسرائیل گفت و «گشودن جبهه‌های دیگر» در این جنگ را «احتمال واقعی» خواند. او با تاکید بر اینکه تهران می‌خواهد امنیت لبنان را حفظ کند گفت: «آمریکا اگر می‌خواهد از جنگ منطقه‌ای جلوگیری کند باید اسرائیل را کنترل کند.» وی افزود: «ایران آمادگی خود برای برگزاری نشست فوق العاده وزرای خارجه سازمان همکاری‌های اسلامی در تهران را اعلام کرده است»

وزیرخارجه کشورمان تاکید کرد که «آمریکایی‌ها دست صهیونیست‌ها برای کشتار غیرنظامیان را باز گذاشته‌اند.» رئیس جمهور سوریه روز جمعه از کشورهای جهان خواست تا برای متوقف کردن "جنایت‌هایی که اسرائیل علیه مردم فلسطین مرتکب می‌شود" متحد شوند. در ادامه، حسین امیرعبداللہیان که بعد از بمباران فرودگاه دمشق و حلب، از مرز زمینی وارد سوریه شده بود، در جریان نشست مطبوعاتی مشترک با فیصل المقداد وزیر امور خارجه سوریه در دمشق، گفت «در جریان سفر به بیروت با آقای سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان و همچنین تعدادی از رهبران مقاومت فلسطین دیدار و رایزنی کردیم و در جریان این رایزنی‌ها متوجه شدیم که جریان مقاومت تمام سناریوهای ممکن را در برابر خود قرار داده است و از آمادگی و روحیه بالایی برخوردار است.»

در همین راستا حزب‌الله لبنان نیز اعلام کرد که «آماده» است در رویارویی با اسرائیل «سهیم باشد» شیخ نعیم قاسم از سران حزب الله در یک گردهمایی در حومه جنوبی بیروت گفت: «قدرت‌های بزرگ، کشورهای عربی و سازمان ملل به‌طور مستقیم و غیر مستقیم به حزب‌الله گفته‌اند در جنگ فعلی بین اسرائیل و حماس دخالت نکنند.»

تندتر شدن مواضع چین و روسیه : روز گذشته شاهد اولین واکنش‌ها از سوی چین و روسیه علیه اسرائیل بودیم. وانگ یی، وزیر خارجه چین روز جمعه گفت که منشاء درگیری بین اسرائیل و گروه حماس «بی‌عدالتی تاریخی» علیه فلسطینی‌ها است. در همین حال، وزارت خارجه اسرائیل اعلام کرد که یک کارمند سفارت این کشور در پکن مورد حمله قرار گرفت. در بیانیه این نهاد آمده است: «یک کارمند اسرائیلی سفارت اسرائیل در پکن امروز مورد حمله قرار گرفت.» وزارت خارجه اسرائیل تصریح کرد که این حمله در محوطه سفارت در پایتخت چین صورت نگرفته است. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه نیز که هم اکنون در نشست شورای سران کشورهای مستقل همسود در بیشکک حضور دارد گفته: «وخامت اوضاع در خاورمیانه نتیجه سیاست شکست خورده ایالات متحده است که به دنبال مصالحه در مناقشه فلسطین و اسرائیل نبود. وی ادامه داد: «از میانجی‌های بین‌المللی چهارجانبه خاورمیانه استفاده نشد. ایالات متحده به بهانه‌های دور از ذهن، عملاً این قالب را که منحصر به فرد بود و اتفاقاً دارای دستوری بود که در قطعنامه مربوطه سازمان ملل تأیید شده بود، مسدود کرد.»

حمایت تمام قد اروپا از اسرائیل : این در حالی است که کشورهای اروپایی با برجسته سازی جنبه های مذهبی ضدیهودی این جنگ، به حمایت خود از اقدامات اسرائیل ادامه می دهند. ریشی سوناک، نخست وزیر بریتانیا روز جمعه گفت از زمان حمله آخر هفته گذشته حماس به اسرائیل، حوادث مرتبط با یهودی ستیزی در بریتانیا به‌طور «مشمزکننده‌ای» افزایش یافته است. وزیر خارجه فرانسه نیز در گفتگویی تلویزیونی با شبکه پنج تلویزیون این کشور گفت که مواضع ایران درباره جنگ اسرائیل و حماس «نگران کننده» است. او همچنین از افزایش شمار کشته‌شدگان فرانسوی در حملات حماس به ۱۵ نفر خبر داد. اورزولا فن درلاین، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا هم که به اسرائیل سفر کرده در دیدار با نخست‌وزیر این کشور خطاب به وی گفت: «اروپا در کنار اسرائیل است.» او همزمان به ترکیه نیز التیماutom داد. کمیسیون اروپا تاکید کرده ترکیه باید میان ما و ناتو و بین روسیه، ایران و حماس یکی را انتخاب کند.

تأثیر جنگ بر روابط ایران و امریکا : تحلیلگران زیادی از ابتدای جنگ، تأثیر آن را بر مذاکرات امریکا و ایران دنبال می کنند. امریکا تلاش کرده از همان ابتدا با رویکردی واقع بینانه، اجازه ندهد مذاکره با ایران دچار آسیب شود. اما به نظر می رسد فشارها به دولت بایدن برای بر هم زدن هرگونه مذاکره با ایران افزایش یافته است. چه آنکه برخی گزارشها از روز گذشته از توافق واشنگتن و دوحه بر سر جلوگیری از دسترسی ایران به شش میلیارد دلار دارایی خود پس از حمله حماس به اسرائیل حکایت داشت اما این خبر توسط منابع خبری متعدد در امریکا و ایران تکذیب شد. در همین راستا نخست وزیر قطر روز جمعه گفت که کشورش به توافق مبادله زندانیان بین ایران و امریکا پایبند است.

تأثیر جنگ بر اقتصاد جهانی : در حالی که اقتصاددانان هشدار می دهند که بلومبرگ تخمین می زند که قیمت نفت می تواند به ۱۵۰ دلار در هر بشکه افزایش یابد. این هفته نامه هشدار داده درگیری در خاورمیانه می تواند به سرعت در سایر نقاط جهان گسترش یابد زیرا این یک گذرگاه حیاتی برای کالاها و تامین انرژی است: بلومبرگ نوشته "جنگ دیگری در یک منطقه تولید کننده انرژی می تواند آتش تورم را دوباره شعله ور کند که عواقب گسترده تر آن می تواند در جهان عرب گسترش یابد. " بلومبرگ پیشبینی کرده روسیه و عربستان سعودی احتمالاً به توافق قیمت نفت خود ادامه خواهند داد تا هزینه های فروش نفت را به ۱۰۰ دلار در هر بشکه یا بالاتر برسانند. اگرچه قیمت بالای نفت می تواند به معنای سود بادآورده برای مسکو باشد که با تحریم ها و زیان های مالی مواجه شده است.

نظر مردم اسرائیل درباره ادامه جنگ : طبق یک نظرسنجی صورت گرفته در اسرائیل ۵۶ درصد از شهروندان این کشور معتقدند که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر باید در پایان درگیری با حماس استعفا دهد. ۵۲ درصد نیز می گویند که یوآو گالانت وزیر دفاع نیز در پایان جنگ باید کناره گیری کند. از سوی دیگر ۸۴ درصد از اسرائیلی ها معتقدند که رهبری سیاسی این کشور مسئول شکستی است که منجر به حمله گسترده و ناگهانی حماس به شهرهای جنوبی اسرائیل شد. از ۵۹ درصد آنها وقتی پرسیده شد که آیا به دولت در مدیریت جنگ اعتماد دارند یا نه؟ گفتند «تا حدودی اعتماد دارند» یا «اصلاً اعتماد ندارند». طبق این نظرسنجی، پاسخ دهندگان گانتس را به رهبری نتانیاهو ترجیح می دهند و ۴۸ درصد نیز خواهان مدیریت وزیر دفاع پیشین هستند. این نظرسنجی از سوی روزنامه پرخواننده معاریو تهیه شده و در آن ۶۰۰ نفر شرکت کردند و در تاریخ های ۱۱ و ۱۲ اکتبر انجام شده است.

آیا گره کور مناقشه اسرائیل و فلسطین در قاهره باز خواهد شد؟ : ۳۰ کشور آماده نشست و گفتگو برای حل درگیری اسرائیل و فلسطین در قاهره هستند. : به گزارش اسپوتنیک، صبح روز هفتم اکتبر سال جاری، اسرائیل به عنوان بخشی از عملیات سیل الاقصی که توسط شاخه نظامی جنبش فلسطینی حماس اعلام شد، از نوار غزه مورد حمله موشکی گسترده قرار گرفت. علاوه بر این، پس از حملات موشکی گسترده، جنگنده های این سازمان به مناطق مرزی در جنوب اسرائیل نفوذ کردند. در پاسخ، نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) عملیات شمشیرهای آهنین را علیه حماس در نوار غزه آغاز کردند. ظرف چند روز پس از حمله، ارتش کنترل تمام شهرک های نزدیک مرز غزه را به دست گرفت و حملات هوایی به اهداف از جمله غیرنظامیان در نوار غزه را آغاز کرد. اسرائیل همچنین از محاصره کامل غزه خبر داد: تامین آب، غذا، برق، دارو و سوخت به حالت تعلیق درآمد. شبکه تلویزیونی القاهره نیوز گزارش داد، که بیش از 30 کشور و سه سازمان بین المللی مشارکت در نشست سران نوار غزه را که روز شنبه در قاهره پایتخت مصر برگزار می شود، تایید کرده اند. پیش از این گزارش شده بود، که این نشست با حضور آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد و سران شماری از کشورهای عربی، ترکیه، یونان، قبرس و ایتالیا برگزار می شود.

تاریخچه درگیری اسرائیل و فلسطین : با پایان یافتن جنگ جهانی اول و بدست گرفتن کنترل فلسطین توسط بریتانیایی ها داستان آغاز می شود. در آن زمان فلسطین دارای جمعیت اکثریت عرب و اقلیت یهودی بوده است. در آن زمان جامعه جهانی به بریتانیا وظیفه سپرده بود که برای یهودیان خانه ملی بسازد و بنا از سال 1920 جایابی یهودیان در فلسطین آغاز شد و در جریان جنگ جهانی دوم با کشتار یهودیان از سوی آلمان نازی شدت گرفت. در سال 1947 ملل متحد رای داد که فلسطین به دو کشور جداگانه عرب ها و یهودیان تقسیم شود و بیت المقدس یا اورشلیم نیز به یک شهر بین المللی باشد. حاکمان بریتانیایی در سال 1948 منطقه را ترک کردند و دولت اسرائیل تاسیس شد که منجر جنگ اول اسرائیل و کشورهای همسایه مصر، عراق، سوریه، اردن و لبنان شد. برای اسرائیل این جنگ استقلال بود، اما برای کشورهای عربی فاجعه، زیرا صدها هزار فلسطینی به دنبال این جنگ آواره شده و سرزمین های خود را از دست دادند. جنگ دوم اسرائیل و کشورهای عرب در سال

1967 رخ داد که معروف به جنگ شش روزه است. در این جنگ اسرائیل نیروهای متحد کشورهای عربی را شکست داد و بلندی‌های جولان را از سوریه، غزه و شبه جزیره سینای را از مصر و کرانه باختری را از نیروهای اردن تصرف کرد. همچنان روند شهرک‌سازی یهودی نشین که از سوی ملل متحد به غیرقانونی شناخته می‌شود، در نوار غزه و کرانه باختری آغاز شد. از اواخر دهه 1980 فلسطینی‌ها دست به مقاومت مردمی و تظاهرات‌هایی گسترده زدند و به سوی سربازان و تانک‌های اسرائیلی سنگ پرتاب می‌کرد که این امر به ایجاد گروه حماس منجر شد. در دهه 1990 مذاکرات صلح میان فلسطین و اسرائیل آغاز شد و در سال 1993 سازمان آزادی بخش فلسطین و اسرائیل که به توافق اسلو معروف است را با کاخ سفید به امضا رساندند. بر بنیاد توافق، برای فلسطین یک دولت خودگردان در نوار غزه و کرانه باختری در نظر گرفته شد و سازمان آزادی بخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات نیز اسرائیل را به رسمیت شناخت. بر بنیاد این توافق، کرانه باختری نیز به سه بخش تقسیم شد؛

بخش اول، زیر اداره دولت خودگردان فلسطین؛

بخش دوم، زیر اداره اسرائیل؛

بخش سوم به گونه مشترک اداره می‌شود.

در اوایل قرن بیست و یکم، اسرائیل برای گرفتن بخش‌های بیشتر بیت المقدس شرقی؛ جایی که مسجد القصی موقعیت دارد، تلاش کرد و ادامه تنش میان اسرائیل و مردم فلسطینی منجر افزایش تخریب محل‌های سکونت فلسطینی‌ها و ساخت شهرک‌ها برای شهروندان اسرائیل، شد و نیز حضور مقاومت‌های مسلحانه در میان فلسطین شد.

بعد سیاسی نشست قاهره : فرهاد ابرار، کارشناس مسائل سیاسی می گوید: نشست ذکر شده با محوریت کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بدون شک بر فرایند جنگ و احتمالاً پایان بخشیدن به جنگ حماس و اسرائیل تأثیرگذار خواهد بود. هر چند در مورد آجندای نشست فوق، مطالب مشخصی بیان نشده ولی از وضعیت پیش آمده می‌تواند فهمید، که این کشورها و سازمان‌ها برای پایان بخشیدن جنگ با استفاده از گزینه‌های دیپلماسی تلاش خواهند کرد. زیرا تلفات بالای انسانی دو طرف به خصوص مردم فلسطین شرایط موجود را بحرانی‌تر و کام هیولای مرگ را پهن‌تر خواهد ساخت؛

در صورت ادامه وضعیت، باور من این است که جنگ شکل گسترده‌تر و ابعاد پیچیده‌تر خواهد گرفت، زیرا متحدان دو طرف تلاش بر تقویت جایگاه هم‌کیشان خویش می‌نمایند که منطقه را یک‌بار دیگر نارام‌تر و بی‌ثبات‌تر خواهد ساخت. بنابراین در صورت تداوم نبرد؛ احتمال دخیل شدن متحدان این دو هم به دور از تصور نیست. غربی‌ها تلاش‌ها خواهند کرد تا اسرائیل را متقاعد کند تا از شدت عملیات هوایی خود بکاهد و از گسترش آن بپرهیزد. زیرا غربی‌ها بر مثلث ایران، روسیه و چین در شکل‌گیری این جنگ به شدت بدگمان هستند، این جنگ در حقیقت نگاه غرب را از شرق اروپا (اوکراین- روسیه) را به خاورمیانه معطوف کرده است.

شاگرد یعقوبی کارشناس مسائل اقتصادی، می گوید: در این شکی نیست که امریکا هنگام حمایت سیاسی و نظامی از یک کشور در کنار اینکه به دنبال تقویت سلطه خود است از فروش اسلحه نیز عایداتی با مبالغ هنگفت بدست می آورد و بدین وسیله منافع بیشتر اقتصادی را متوجه صنعت تسلیحات خود می‌سازد. تحولات سیاسی اخیر و آشفتگی‌های پی در پی در جهان هزینه سیاست و جنگ را برای امریکا چندبرابر ساخته است و امریکا ناچار است برای تثبیت جایگاه نظامی و سیاسی خود در نظم جهانی، هزینه بالاتری را متقبل شود و از طریق فروش اسلحه مقداری از این هزینه‌ها را جبران کند. درگیری اسرائیل با حماس و حمایت جدی امریکا از یک طرف جنگ که به زعم خود تلاشی در جهت حفظ قدرت امریکا در منطقه تلقی می‌گردد می‌تواند از نگاه افزایش تولید سلاح نیز برای امریکا مهم دانسته شود.

شاگرد یعقوبی : کارشناس مسائل اقتصادی : وی خاطر نشان کرد که جنگ اسرائیل و فلسطین می‌تواند روابط اقتصادی غرب با کشورهای عربی را در زمینه خرید و فروش نفت نیز خدشه پذیر بسازد و سطح مبادلات نفت در تجارت جهانی به ویژه میان امریکا و کشورهای عربی کاهش چشمگیر خواهد پیدا کند. در نشست قاهره، اگر کشورهای عربی متعهد و مصمم به حمایت جدی از فلسطینیان شوند در کنار سایر گزینه‌ها از گزینه مهم اقتصادی، از کاهش فروش و صادرات نفت به غرب بالاحص امریکا می‌توانند استفاده کنند که این مورد می‌تواند هزینه نفت در بازارهای جهانی را به مراتب بالا ببرد که در این

صورت بر بازار جهانی در خصوص تامین نفت مورد نیاز فشار زیادی وارد خواهد شد. با نگاهی بر سوابق درگیری و توافقنامه های هیچ گاه تحقق نیافته، به این نتیجه می رسیم که دو طرف باید با درک و تفاهم بر همزیستی مسالمت آمیز و پایبندی بر توافقات قبلی از دامن زدن بر درگیری ها بکاهند. کما اینکه تلاش های بین المللی برای حل بحران همیشه از سوی یکی از طرف های متخاصم رد شده است و یا هم در ابتدا پذیرفته شده و بعداً نقص شده است، نمی توان بر نتیجه بخش بودن تلاش های جامعه بین المللی با گرایش های مختلف گرچند با نیت خیر بین دو طرف درگیر که تشنه به خون یکدیگر هستند امید وار بود، مگر اینکه هر دو طرف درگیری به خواسته های مشروع خود اعم از تشکیل حکومت مستقل با مرزهای مشخص دست یابد.

تاریخ فلسطین تا آغاز قرن نوزدهم : متون مقدس : در کتب مقدس یهودی در دوره پیش از اسرائیل برای اشاره به این ناحیه کنعان به کار رفته و پس از آن از اسرائیل (بیسرائیل) استفاده شده است. نام **سرزمین یهود** نیز به همراه چندین عنوان شاعرانه مورد استفاده قرار گرفته است. سرزمین شیر و عسل، سرزمینی که خداوند در آن برای تعیین شما برای پدراهیتان سوگند یاد کرده است، سرزمین مقدس، سرزمین خداوند و سرزمین موعود. در مورد سرزمین کنعان آمده است که شامل کل سرزمین لبنان می باشد. چنین به نظر می رسد که در این سرزمین پهناور قبیله های یهودی البته به همراه سایر گروه های قومی سکونت داشته اند. وقایع چهار گاسیلز از **کتاب مقدس** مسیحی تماماً در سرزمین فلسطین اتفاق افتاده اند. در قرآن، کلمه **سرزمین مقدس** (در زبان عربی: *الأرض المقدسة*) حداقل هفت بار آمده است و یک بار زمانی است که موسی با قوم **یهود** به سوی آن خوانده شد: «ای قوم من! وارد سرزمین مقدسی شوید که خداوند برایتان مقرر گردانیده و باز پس مروید بر پشتهایتان که زیانتان در آن است.»

دوره رومی : در نتیجه **اولین جنگ یهودیان-رومیان** (۶۶-۷۳)، اورشلیم غارت شد؛ معبد دوم نابود شد؛ و تنها، دیوار غربی باقی ماند. در سال ۱۳۵، پس از سقوط شورش **شورش یهود به رهبری بار کخبا** در ۱۳۲، پادشاه روم **هادریان** اکثر یهودی ها را از سرزمین یهود بیرون راند و بنابراین بسیاری از یهودی ها در سامره و ایالت جلیل به سر می بردند. وی همچنین نام ناحیه رومی یهود (اسرائیل) را به **سوریه فلسطین** تغییر داد. رومی ها همچنین برای ایجاد **جنگ روانی** سعی بر تغییر نام اورشلیم به **آلیا کپتولینا** کردند که این نام جدید دوام نیافت. با گذشت زمان از نام **سوریه فلسطین** تنها **فلسطین** باقی ماند و در طول این مدت فلسطین به بخشی سیاسی و اجرایی در داخل قلمروی **امپراتوری روم** تبدیل شده بود.

دوره بیزانس (امپراتوری روم شرقی) : در حدود سال ۳۹۰، فلسطین به سه ناحیه تقسیم شد: **پلستینا پریما، سکوندا، و تریتا (فلسطین اول، دوم و سوم)**. **فلسطین اول** شامل یهود، سامره، ساحل و **پری** بود که حاکم آن در **کاساری** زندگی می کرد. **فلسطین دوم** شامل ایالت جلیل، درجزیل پایینی، نواحی شرق ایالت جلیل و بخش غربی دکاپلیس سابق بود و حکومت آن در سائتوپلیس قرار داشت. **فلسطین سوم** شامل نگو، اردن جنوبی که زمانی بخشی از ناحیه عرب بود و پیشتر ناحیه **سینا** بود و پترا مقر حکومت آن بود. نام دیگر فلسطین سوم **پلستینا سالوتاریس** بود. این تقسیم بندی ناحیه عرب را بخشی از اردن شمالی در شرق پری قرار داد. حکومت بیزانس بر فلسطین در زمان تصرف پارس ها در سال ۶۱۴ موقتاً خاتمه یافت و سپس بعد از ظهور اسلام در **شبه جزیره عرب** و فتح منطقه توسط نیروهای اسلام که در سال ۶۳۵ آغاز شد، حکومت آن ها بر این منطقه برای همیشه به پایان رسید.

دوره خلافت : حاکمان مسلمان ناحیه **الشام** (عربی سوریه) را به پنج بخش تقسیم کردند. **جند فلسطین** (در عربی: به معنای **ناحیه نظامی فلسطین**) شامل منطقه ای از **سینا** تا جنوب دشت آکر بود. با گذشت زمان این منطقه کوچکتر شده و به سینا محدود شد. رفح، کاسارا، غزه، جافا، نابلوس، اریحا، راملا و اورشلیم شهرهای اصلی بودند. در ابتدا شهر لده مرکز بود، اما در سال ۷۱۷ به شهر راملا تغییر یافت. (پس از زمانی طولانی و مدت ها بعد از پایان تقسیم بندی جنداها، اورشلیم مرکز شد) / اردن شامل ناحیه شمال و شرق فلسطین بود. تیبراس، لجویو، ایگر، بیسان، و تاپیر شهرهای اصلی آن بودند و تیبراس مرکز منطقه بود. چندین شورش سیاسی مختلف مجدداً این مرزها را چندین بار تغییر داد. پس از قرن ۱۰، تقسیم مناطق به جنداها کم کم روبه زوال گذاشت و حملات ترک ها در دهه ۱۰۷۰ و سپس جنگ صلیبی اول این فرایند زوال را تکمیل کرد.

دوره مملوک : پس از کنترل دوباره مسلمانان بر فلسطین در قرن ۱۲ و ۱۳، تقسیم بندی نواحی دوباره انجام گرفت و در این مدت مرزها به سرعت تغییر می کردند. در ۱۲۶۳/۱۲۹۱ این کشور بخشی از قلمروی **سلطان مملوک** در مصر بود. در اواخر قرن ۱۳، فلسطین در واقع شامل قسمت های بسیاری از نواحی شیخ نشین سوریه یعنی **پادشاهی غزه** (شامل آسکالن و

هبران)، کراک (شامل جافا و لجیو)، سفاد (شامل سفاد، ایکر، سیدون و تایر) و بخش‌هایی از پادشاهی دمشق (در برخی دوره‌ها از جنوب تا اورشلیم) بود. در اواسط قرن ۱۴، سوریه دوباره به پنج ناحیه تقسیم شد که از بین آن‌ها فلسطین شامل اورشلیم (مرکز آن)، راملا، آسکلن، حبرون و نابلس بود، در حالی که حوران شامل تیرپاس (مرکز) بود.

دوره عثمانی: پس از پیروزی عثمانی، این نام به عنوان نامی رسمی دیگر مورد استفاده نبود و دلیل این بود که ترک‌ها اغلب نواحی فرعی را با نام مرکز مشخص می‌کردند. این منطقه در سال ۱۵۱۶ جزئی از **امپراتوری عثمانی** شد و تا سال ۱۶۶۰ در واقع بخشی از **ویلايت (بخش)** دمشق-سوریه محسوب می‌شد تا اینکه از ۷ مارس ۱۷۹۹ تا ژوئیه ۱۷۹۹ با اشغال جفا، حیفا و سکارا ارتباطش با دیگر نقاط قطع شد. در ۱۰ می ۱۸۳۲ این منطقه یکی از نواحی ترکی بود که توسط **محمد علی** تصرف شده بود، اما در نوامبر ۱۸۴۰ دوباره تحت فرمانروایی مستقیم عثمانی قرار گرفت. نام کهن همچنان توسط عموم و در موارد نیمه رسمی مورد استفاده قرار می‌گرفت. موارد بسیاری از استفاده از آن در طول سده‌های شانزدهم و هفدهم بر جای مانده است. در طول قرن نوزدهم، «دولت عثمانی در مکاتبات رسمی خود، از عبارت *ارض فلسطین* (سرزمین فلسطین) برای اشاره به ناحیه واقع در غرب **رود اردن** که در سال ۱۹۲۲ تحت فرمانروایی انگلستان *فلسطین* نامیده شد استفاده می‌کرد». اعراب تحصیل کرده، از عبارت *فلسطین*، برای اشاره به کل فلسطین یا بیت المقدس *سنجاق* یا تنها برای اشاره به منطقه اطراف راملا استفاده می‌کردند. سلطان عثمانی در سال ۱۸۷۶ در پاسخ به درخواست خاخام ژوزف نانتونک برای صدور اجازه اسکان یهودیان ضمن منع مهاجرت گسترده به فلسطین گفت «تقریباً تمام **سرزمین‌های فلسطین** اشغال شده، و استقلالی که نانتونک به دنبال آن است با اصول اجرایی کشور در تعارض است» و پس از آن نیز دولت عثمانی در سال‌های ۱۸۸۴، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸ احکامی علیه اسکان انبوه یهودیان صادر کرد. در سال ۱۸۸۲ شمار چشمگیری از یهودیان شروع به هجرت به **سرزمین مقدس** کردند و مزارع جمعی (کیبوتس) ایجاد کرده و سرانجام حومه *تل آویو* را در سال ۱۹۰۹ به وجود آوردند، که بعدها در سال ۱۹۲۱ تبدیل به یک شهر شد. شمار یهودیان فلسطین که در سال ۱۷۰۰ تنها ۷۰۰۰ نفر بود تا سال ۱۹۰۰ به ۶۰۰۰۰ نفر رسید (جمعیت کل فلسطین در این سال ۵۰۰۰۰۰ نفر بود) که این امر به عقیده **کاپیت** حاکی از آن است که «سیاست عثمانی مبنی بر اجازه به افراد برای مهاجرت و اسکان، و همزمان ممانعت از مهاجرت گروه‌های انبوه، با موفقیت همراه بوده است». حکمرانی عثمانی بر منطقه تا زمان جنگ عظیم (جنگ جهانی اول) یعنی زمانی که عثمانی از آلمان و متحدانش جانبداری کرد ادامه یافت. در طول **جنگ جهانی اول**، همزمان با فروپاشی امپراتوری عثمانی، بریتانیا عثمانی را از بیشتر این مناطق به عقب راند. با پایان امپراتوری عثمانی، شمار یهودیان فلسطین به ۵۵۰۰۰ نفر کاهش یافت.

تاریخ فلسطین: تاریخ فلسطین مطالعه گذشته در منطقه فلسطین است که به عنوان منطقه‌ای جغرافیایی بین دریای مدیترانه و رود اردن (جایی که امروز اسرائیل و فلسطین در آن هستند) و سرزمین‌های مختلف مجاور واقع در یک نقطه استراتژیک بین اروپا، آسیا و آفریقا و زادگاه یهودیت و مسیحیت تعریف شده است. منطقه دارای سابقه پر آشوب به عنوان یک چهارراه برای ادیان، فرهنگ، تجارت، و سیاست است. فلسطین توسط چندین پادشاهی مستقل و قدرت‌های بزرگ، از جمله مصر باستان، ایران، اسکندر مقدونی و جانشینان وی، امپراتوری روم، چندین سلسله از حکومت مسلمان و صلیبی‌ها کنترل شده است. در دوران مدرن، منطقه تحت سلطه امپراتوری عثمانی، سپس پادشاهی متحده بود. از سال ۱۹۴۸، فلسطین کرانه باختری و نوار غزه تقسیم شده است. اصطلاحات دیگر تقریباً برای همان منطقه جغرافیایی شامل کنعان، سرزمین اسرائیل و سرزمین مقدس است.

دوره ماقبل تاریخ: اولین بقایای انسان در فلسطین در عبیدیه حدود ۳ کیلومتری جنوب دریای جلیل (دریاچه طبریه)، در دره ریفت اردن یافت شد. قدمت بقایای این اثر مربوط به سال‌های پلیستوسن است. ۱/۵ میلیون سال پیش آثاری از مهاجرت اولیه انسان راست قامت به آفریقا بوده است که در این سایت تیشه مشتی از نوع آشولی را به همراه داشت.

عصر برنز: پادشاهی نوین مصر: پادشاهی جدید در حداکثر وسعت سرزمینی خود در قرن پانزدهم قبل از میلاد پادشاهی نوین مصر دوره‌ای تاریخی از مصر باستان میان سده‌های ۱۶ تا ۱۱ پیش از میلاد مسیح است که دودمان‌های پادشاهی هجدهم، نوزدهم، و بیستم این کشور را پوشش می‌دهد. پادشاهی نوین پس از دوره موسوم به «دوره میانی دوم» مستقر شد و نابودیش نیز همراه با آمدن دوره سوم میانی بود. این هنگام از تاریخ مصر شاهد بیشترین ثروت و اوج قدرت شاهنشاهی باستانی مصر بود. عصر آهن: کنعانیان، بنی اسرائیل و فلسطینی‌ها همچنین بینید: کنعان (منطقه)، بنی اسرائیل، و فلسطینی‌های باستان فلسطینی‌های باستان قومی بودند که در زمان ورود قوم اسرائیلی باستان به منطقه در کرانه جنوبی کنعان می‌زیستند.

به زیستگاه این قوم فلسطین یا فلسطینیہ گفته می‌شود. ریشه، اصلی این قوم مورد مناقشه است ولی شواهد تازه باستان‌شناسی گویای تماس فرهنگی اولیه ایشان با تمدن میسنی یونان است. با اینکه فلسطینی‌ها زبان و فرهنگ کنعانی‌ها را پذیرفتند ولی برای برخی از واژه‌های فلسطینی ریشه هندواروپایی پیشنهاد شده‌است. کنعان منطقه‌ای باستانی در جنوب سوریه است که حدوداً از دویست سال پیش از میلاد به منطقه فلسطین تعمیم داده‌است و امروزه فلسطین، اسرائیل، لبنان، اردن و سوریه بخشی از آن را در خاک خود دارند. این منطقه در دوره عمارنه در پایان عصر برنز اهمیت ویژه‌ای داشته چرا که محل پیوند روابط امپراتوری‌های باستانی مصر، هیتی و آشور بوده‌است. نام این منطقه در نوشته‌های مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد آمده‌است و بعدها در نامه‌های عمارنه به صورت کیناحو (Kinahhu) ذکر می‌شود. این در حالی است که منابع پادشاهی نوین مصر به عملیات نظامی متعدد در کانا-نا (Ka-na-na) اشاره می‌کنند.

دوره پارسیان : امپراتوری هخامنشی تحت سلطنت داریوش سوم : به دنبال فتح بابل توسط کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ قبل از میلاد فلسطین تحت حاکمیت پارسیان قرار گرفت . کوروش و جانشینان وی حدود ۸۰ سال سیاست بازگشت به کشور را حفظ کردند و به افرادی که قبلاً اخراج شده بودند اجازه بازگشت به فلسطین را می‌دادند.

دوره رومی : در نتیجه اولین جنگ یهودیان-رومیان اورشلیم غارت شد؛ معبد دوم نابود شد؛ و تنها، دیوار غربی باقی‌ماند. در سال ۱۳۵، پس از سقوط شورش شورش یهود به رهبری بار کخبا در ۱۳۲، پادشاه روم هادریان اکثر یهودی‌ها را از سرزمین یهود بیرون راند و بنابراین بسیاری از یهودی‌ها در سامره و ایالت جلیل به سر می‌بردند. وی همچنین نام ناحیه رومی یهود (اسرائیل) را به سوریه فلسطین تغییر داد. رومی‌ها همچنین برای ایجاد جنگ روانی سعی بر تغییر نام اورشلیم به آلیا کپیتولینا کردند که این نام جدید دوام نیافت. با گذشت زمان از نام سوریه فلسطین تنها فلسطین باقی‌ماند و در طول این مدت فلسطین به بخشی سیاسی و اجرایی در داخل قلمروی امپراتوری روم تبدیل شده بود.

سوریه فلسطین : یکی از استان‌ها در امپراتوری روم، بین سال‌های ۱۳۵ و ۳۹۰ بود. این استان از ادغام سوریه روم و یهودیه روم و در پی شکست شورش بارکوخبا در ۱۳۵ میلادی توسط هادریانوس تشکیل شد. مدتی کوتاه پس از ۱۹۳ مناطق شمالی منقسم شدند به طوری که سوریه کوئله (Syria Coele) در شمال و فونیسه (Phoenice) در جنوب تأسیس شدند و استان سوریه فلسطین به یهودیه تقلیل یافت.

قرون وسطی : همچنین ببینید: خلافت راشدین، خلافت اموی، و خلافت عباسی : خلافت ابوبکر با دو بحران سرپیچی گروهی از مسلمانان از پرداخت زکات و پیامبران نو ظهور همراه بود که ابوبکر با این دو گروه وارد جنگ‌هایی به نام جنگ‌های ارتداد گشت. پس از تسلط بر شبه جزیره عربستان، مسلمانان وارد جنگ با ساسانیان و بیزانس شدند و توانستند در جبهه عراق بر سرزمین‌های غربی فرات از جمله حیره، الانبار دومه جندل در جبهه شام بر بخش جنوبی سوریه و فلسطین چیره شوند.

خلافت فاطمیان : خلافت فاطمی در سال ۹۰۹م در شمال آفریقا بنیان نهاده شد و به زودی به سیسیل، مصر، فلسطین و سوریه گسترش یافت و در دوران حکومت هشتمین خلیفه فاطمی، المستنصر بالله (وفات ۱۰۹۴م) به اوج قدرت خود رسید. در طول این دوره حدوداً دو قرن، فاطمیان یک حکومت مرفه همراه با شادابی عقلانی، اقتصادی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای را پدید آوردند.

پادشاهی اورشلیم : پس از جنگ ملازگرد، سلجوقیان در سال ۱۰۷۱ م به اوج قدرت خود رسیدند؛ اما پس از مرگ آلب ارسلان و ملکشاه در سال ۱۰۹۲ م اوضاع رو به آشفتگی رفت و ترکان سلجوقی درگیر جنگی داخلی شدند که منجر به تقسیم حکومت و امپراتوری سلجوقی شد. در این زمان عراق صحنه آشوب‌ها و انقلاب‌هایی بود که به وسیله اعراب و ترک‌ها رهبری می‌شد. اما در شام، تنش در سال ۱۰۹۵ م درگذشت و پسرانش رضوان، حاکم حلب، و دقاق، حاکم دمشق، پس از کوشش‌های فراوان بر اوضاع مسلط شدند. اورشلیم به حکومت ارتقیان انتقال یافت. طرابلس زیر سلطه شیعیان بنی عمار بود. فاطمیان مصر با استفاده از این آشفتگی به گسترش اراضی خویش در فلسطین پرداختند و اورشلیم را تسخیر کردند و موصل در زیر فرمان کریغا قراردادند.

« هر ملت تاریخ دارد و تاریخ واقعی به ملل ستمدیده وابسته و منوط است. ملت های ظالم، جفا پیشه و مستبد دارای تاریخ نبودند و نیستند. تاریخ هر ملت و مردم دارای : گذشته ، حال و آینده است. هر مردمی که از تاریخ گذشته خود درست درست نگرفت و برای زمان حال به تفکر و اندیشه تاریخی نه نشست و برای آینده و آینده تاریخی اش ، برنامه نداشت، نه حالی خواهد داشت و نه آینده ، به ویژه ملتی که فرهنگش را از نزدش ربوده باشند.» (برگرفته از کتاب سریداران)

کم ما و کرم دوستان پویا و جویا !!
